

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	به مناسبت تولد حضرت علی (ع)
۴	به مناسبت تولد حضرت ولی عصر(عج)
۶	در مورد ۱۴ معصوم (ع)
۸	اشعاری در مورد پیغمبران
۹	در مورد مدح و منقبت حضرت علی(ع)
۱۰	به میدان رفتن حضرت علی اکبر(ع)
۱۱	زبان حال حضرت زینب(س)
۱۲	رفتن حضرت عباس به کنار فرات برای آوردن آب
۱۴	رفتن اسرا بسوی شام و زبانحال زینب کبری(س)
۱۶	ورود اسران به شهر شام (فی بحر المُجتث)
۱۷	اشعاری در مورد حضرت عبدالعظیم وامامزاده های همجوارش در شهر ری
۱۸	در مورد عید غدیر(ترجیع بند)
۲۰	در مورد تولد حضرت زهرا(س)
۲۱	زیارت نمودن حضرت امام رضا(ع)
۲۲	زیارت نمودن حضرت معصومه (س)
۲۳	در مورد رفتن به عتبات عالیات (به کشور سوریه و کربلا)
۲۴	اشعاریکه در ضریح مقدس حضرت زینب (س) نوشته شده
۲۵	اشعاریکه در حرم حضرت رقیه(س) نوشته شده
۴۵	در مورد زیارت نمودن در کشور سوریه و کربلا به نظم در آورده‌ام
۴۷	اشعاریکه در ضریح مقدس امامزاده صالح واقع در تجریش
۴۸	اشعاریکه در ضریح مبارک بی بی شهربانو در کوه بی بی شهربانو نوشته شده
۴۹	اشعاریکه در ضریح مبارک سید ناصر الدین در نزدیک بازار تهران است
۵۰	نوحه‌ای در شام غریبان
۵۱	اشعاری در مورد زلزله در روز هشتم خرداد ماه ۱۳۸۳
۵۳	شعر (من مست می عشقم هوشیار نخواهم شد)

- ۵۴ اشعاری در مورد امامزاده یحیی در بازار تهران
- ۵۵ اشعاری در بیمارستان حضرت رسول اکرم (ص)
- ۵۶ اشعار در مورد شهادت حضرت فاطمه (س)
- ۵۸ اشعار در مورد حمد و سپاس خداوند یکتا و شجاعت حضرت علی (ع)
- ۵۹ اشعار در مورد وصف خداوند یکتا و به معراج رفتن رسول اکرم (ص)
- ۶۰ اشعار در روز بمباران نجف اشرف توسط آمریکا
- ۶۱ سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره
- ۶۲ فرازهایی از زندگانی امام صادق (ع)

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه کتاب:

سپاس و ستایش مرخدای را جل و جلاله که آثار قدرت او بر چهرهٔ روز روشن تابان است و انوار حکمت او در دل شب تاری درخشان و آدمیان را به فضیلت نطق و مزیت عقل از دیگر حیوانات ممیز گردانید و برای ارشاد و هدایت ایشان رسولان فرستاد تا خلق را از ظلمت جهل و ضلالت نفس برهانند و صحن گیتی را به نور علم و معرفت روشن گردانند و آخر ایشان سید المرسلین و خاتم النبیین ابوالقاسم حضرت محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف را صلی الله علیه و علی عترته الطاهرين برای عز نبوت و خاتمت رسالت برگزید و به معجزات ظاهر و دلایل واضح مخصوص گردانید. درود و سلام و تحیات و صلوات ایزدی بر ذات معظم و روح مقدس مصطفی (ص) و اهل بیت و اصحاب اشباع^۱ او باد. ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلمو تسلیماً

چون ۱ شعار این کتاب در مورد ۱۴ معصوم علیهم السلام سروده شده است و ایشان نیز ۱۴ ستاره پر نور آسمانی می باشند بنده حقیر (مظفر علی مظفری) سراینده اشعار نام این کتاب را «سراج منیر» نام نهاده ام

و الصلوة علی نبیه محمد و اله الطیبین الطاهرین

^۱ شیعه ها

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ »

اشعار زیر را به مناسبت تولد مولای متقیان حضرت علی علیه السلام مصادف با ۱۳ ماه رجب

۱۴۲۳ هـ ق و روز سی ام شهریور ۱۳۸۱ شمسی سروده ام. (ارادتمند شما مظفری (۱۳۸۱/۷/۸))

بنام برای بحق	نامی شیعیان سوره	آن گردیده یس	حیّ سرور تبارک	داور	ابوطالب بقربانت تولدت	شده شود شود	دارای عالم مولا	یاور سراسر مبارک
بدنیا ندیده بحق	آمدی مثل تو سوره	در این اهل یس	کعبه دوران تبارک	خندان	شده همه تولدت	بنت شیعیانت شود	آسد بر تو مولا	الحمد قربان مبارک
تو نباید بحق	می باشی قلبها سوره	که باشد یس	داماد مکدر تبارک	پیمبر	تو به تولدت	فاتح پیغمبر تو شود	گشته ای هستی مولا	در جنگ یار و مبارک
تو که بحق	بودی در سوره	در جمل یس	شب تو تبارک	افروز	تو ولیکن تولدت	صفین ما همه شود	به گوئیم مولا	چو امروز مبارک
تو بروز بحق	هستی هلله سوره	ای در یس	آقا روز تبارک	مولای محشر تبارک	برای تو تولدت	لطف بکن شود	تو ساقی مولا	روح کوثر مبارک
الا بروز بحق	ای جنگ سوره	آیه بهر یس	سبع پلوانی تبارک	المثانی	کلامت برای تولدت	دُرّ دوستان شود	دریای بهر مولا	معانی زجانی مبارک

هزار و سیصد و هشتاد و یک بود که قلب آسود دشمن شود دُود تولدت شود مولا مبارک	سرودم شعر را تاریخ این بود برای دوستانت می شود سود بحق سوره یس تبارک
یتیمان می شود سیر از طعامت (مظفر) می شوی بر دشمنانت تولدت شود آقا مبارک	بقربانت شوم ای سرو قامت تو تقسیم می کنی بر هر که نانت بحق سوره یس تبارک
بر محمد و آل محمد صلوات	

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ »

اشعار زیر را به مناسبت روز تولد حضرت ولی عصر (عج) مهدی صاحب الزمان که روز سی ام مهر مصادف با نیمه شعبان ۱۴۲۳ هـ ق می باشد سروده‌ام. ۱۳۸۱ شمسی. (ارادتمند شما مظفری

تولد گشته‌ای در نیم شعبان همه ورد کُبت آیات قرآن صلوات بر محمد آل او باد	الا ای میوه دل نور چشمان تو می‌باشی برایم جسم و هم جان تمام مؤمنین امروز هست شاد
شود روشن غَسَق از نور رویش سَمَاء آرض آرامست زخویش صلوات بر محمد آل او باد	زکعبه می شود وقت ظهورش مُشعشع می شود دنیا ز نورش تمام مؤمنین امروز هست شاد
زنور روی نیکت خوبتر باد ترا هر لحظه‌ای حُسنی دگر باد صلوات بر محمد آل او باد	جمالت بی مثال از هر نظر باد ظهور تو رسد شهد شکر باد تمام مؤمنین امروز هست شاد
لِسانم هست بر تعریف آلکن شود قربان برایت جسم و هم تن صلوات بر محمد و آل او باد	نَهار و لَیل می‌باشی تو روشن قبولم گر نمائی نوکرم من تمام مؤمنین امروز هست شاد
که جای دشمنانت چاه چون وِیل بتاریخ سنه چون (ساغرم میل) صلوات بر محمد و آل او باد	تو هستی بر همه سالار سر خیل بنوشم گر دهی جامی تو چند کیل تمام مؤمنین امروز هست شاد

<p>به ضرب تیغ وی گوش فلک کر بلطف تو آقا هستم (مظفر) صلوات بر محمد آل او باد</p>	<p>زند شمشیر او مانند حیدر برای شیعیان آنست یاور تمام مؤمنین امروز هست شاد</p>
<p>لسان: زبان کیل: پیمانہ الکن: قاصر و کوتاه ویل: چاه عَسَق: شب تاریک سنه: سال سرخیل: سردسته مُشَعَشَع: درخشان ساغرم میل: (سال ۱۳۸۱) به حساب ابجد</p>	

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ »

اشعار زیر را در مورد ۱۴ معصوم علیه السلام در روز پنج شنبه ۸۲/۵/۲ سرودم از خوانندگان عزیز التماس دعا دارم (ارادتمند شما مظفری)

بنام خالق یکتا و سرمد	نبی خاتمش باشد محمد
علی بر شیعیان اول امام است	بلی نام علی شیرین بکام است
علی شیر خدای ذوالجلال است	همه اعمال وی هم در کمال است
ملائک پاسبان بر آستانش	همگی مستفیض از دور خوانش
امام دومی نامش حسن بود	زدست دشمنانش در محن بود
محل مدفنش نزد پیمبر	بقیع از نور وی باشد منور
امام سومی نامش حسین است	برای فاطمه نور دو عین است
شهید کربلا باشد ز اعداء	سماء و ارض زین اعمال غوغا
چهارم دان علی بن الحسین است	مدینه مدفن آن نور عین است
امام پنجمین نامش محمد	ملقب باقر است بر علم سرمد
ششم جعفر بود صادق به هر کار	نهار و لیل از نورش به دوار
بلی موسی امام هفتمین است	محل مدفنش هم کاظمین است
که نامش می شود باب الحوائج	میان شیعیانش هست رائج
علی ابن الرضا باشد خراسان	مبارک نام وی فخر است به ایران

تمام کارهایش زشت هم دون	ولیکن قاتلش مأمون ملعون
نهمین اختر نور خدا بود	محمّدتقی شمس الضّحی بود
ملائک گریه کرد با حال مغموم	بدست همسرش گردید مسموم
به آن ملعونه دون از شأن گردد	به أمّ الفضل هر دم لعن گردد
دهمین نور خورشید همام است	محمّدنقی ما را امام است
لقبش عسگری شیرین به هر کام	امام یازدهم باشد حسن نام
وجود اقدسش بر ما عیان است	دوازده مهدی صاحب زمان است
عَسَائِقِ می شود روشن ز نورش	زکعبه می شود وقت ظهورش
بحق حرمت نور محمد	خداوندا بحق آل احمد
(مظفر) کن مرا در روز محشر	بحق فاطمه زهرای اطهر
برایم فخر باشد این عبادت	همه را کرده ام یکجا زیارت

شعری که در مورد پیامبران در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۵ سروده‌ام .

ایا ساقی میم ده تا بنوشم جام زیبا را اگر دست خدا نبود کمک کی کار بتوان کرد خدا خلقت نموده اولین کس را در این دنیا چو شیطان وسوسه بنمود تا خوردند از گندم بگردید دور کعبه مدت صد سال میگفتا که مابین صفا و مروه آنها سعی می‌کردند ز بعد آدم و حوا بدن آمد خلیل‌الله نهنگ بلعید یونس را چو قرعه نام وی افتاد چو وقتیکه به کوه طور آمد آن کلیم‌الله که می‌خواست لشگر فرعون بر موسی شود غالب همان وقتیکه چون آمد میان قوم خود عیسی بلی وقتیکه یوسف را برادرها به چاه انداخت خداوندا عجب دارم چرا افتاد در زندان که یوسف بی‌گناه بودش چو از زندان رها گردید که بعد از سالها ظلمت چو ختم انبیا آمد وصی ختم پیغمبر علی شیر خدا باشد (مظفر) کن مرا یا رب کمک از چهارده معصوم	به هوش آیم نمایم یاد من آن حیّ دانا را بغیر از آن کس نتوان گشاید این معما را بدان خلقت نموده آن همی آدم و حوا را برون بنمود از جنت خدا آدم و حوا را بحق پنج تن یا رب دخیلم عفو کن ما را خدا لطفی نمود آخر که تا بخشید آنها را بنا کرد خانه کعبه شکست آن لات غزّی را خدا بعداً نجاتش داد و ایمن کرد دلها را خدا بر وی عطا بنمود عصا و دست بیضا را شده مغلوب یکدفعه چشیدند آب دریا را که وی با سیرت پاکش شفا بخشید آنها را بدین فعل قبیح خود برانگیختند غوغا را بدین اعمال ناشایست مقصّر دان زلیخا را عزیز مصر شد آخر پوشید رخت دیبا را محمد(ص) روشنی بخشید و کرد آرام دنیا را به وقت رزم با صولت زند شمشیر اعداء را زیارت من نمودم آن چهارده نور زیبا را
--	---

<p>تو چه آیتی خدا را بتوانی آنچه خواهی که تو شمس و الضحائی شب تار همچو ماهی تو شوی همیشه زرین سر خسروان کلاهی زکرم دهد گدا را که نگین پادشاهی متعجبم خدایا بنما به ما تو راهی همه نه فلک نیرزد که بدون تو به کاهی همه نجف بگوید که تو سرور سپاهی به علی شود مْصُور همه می شود گواهی تو برای کل عالم که جلال و همچو جاهی همه باغهای اشجار که چه روشن و سیاهی همه ذکرشان علی هست چه کتبی و شفاهی که به ضرب ابن ملجم همگی کشید آهی بنما بمن شفاعت تو بروز دادخواهی تو غمین مشو (مظفر) که علی شود پناهی</p>	<p>علی ای امام اوّل که تو رحمت الهی تو نهار لیل کردی به خدای خود عبادت توئی معدن عدالت توئی معدن سخاوت برو ای حقیر نالان زعلی بگیر انعام نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت همه برّ و بحر اشجار همه گوهران پُر بار همه مکه و مدینه همه کربلا و کوفه قلم و کتاب دفتر بنویسمش مکرر علیجان بگویمت من به تو معدن مروّت همه اختران سیار همه چرخهای دوار همه عرشیان قدسی همه حاملان کُرسی همه قطره‌های شبنم همه موجهای درهم علی آدمم به خدمت و بنزد آستانت علی است شجاع لشگر علی ساقی است و کوثر</p>
--	--

به میدان رفتن حضرت علی اکبر (ع) روز چهارم ماه محرم ۱۲۸۳/۱۱/۲۶ سروده‌ام.

<p>زانسو همه لشگر از دور نمایان شد از قامت رعنائش لشگر همه حیران شد گفتا که از این لحظه بشکستن پیمان شد میرفت سوی کُفَّار آنوقت شتابان شد زد ضربت زهر آگین چون وارد میدان شد دانید قمر عقرب چون وارد کیوان شد از اسب فرو افتاد اَلْحَمْد و گویان شد گویا که علی اکبر چون وارد رضوان شد غمگین شده لیلا اطفال هراسان شد گفتا که چنین بیتی بر دیده چو گریان شد</p>	<p>شهزاده علی اکبر چون عازم میدان شد آنوقت علی اکبر آمد سوی آن لشگر بن سعد در آن لحظه رو کرد به آن کُفَّار اکبر بنمود حمله بر قوم ستم پیشه شمشیر همی در دست آن اکبر شهزاده دستور بداد آنکه سعد بن ابی وقاص کُفَّار نمود حمله بر اکبر شهزاده آنوقت حسین آمد دید آن رخ زیبایش زینب چو بدید احوال از دل بکشید آهی افتاد (مظفر) چون بر یاد علی اکبر</p>
<p>به میدان رفتن حضرت قاسم</p>	
<p>زانسو که باشد حمله وَر آنقوم غُدوان آنقوم غُدوان مُحَلَّق شوم من بر شهیدان ای عمو جان من ای عمو جان</p>	<p>شهزاده قاسم تو مرو بر سوی میدان من میروم بر سوی میدان ای عمو جان</p>

چنان در کربلا غوغا بپا شد	چو وقتی کاروان بر کربلا شد
هجوم آورد آنجا فوج لشگر	بدستور عُمَر سعد ستمگر
همه بر خون خود گشتند غلطان	کمکهای حسین رفتند میدان
که اطفال حسین بودند بی تاب	بدستور لعینان قطع شد آب
زِ اعمالش چو گشته قلبها خون	زسوی دیگری آن شمر ملعون
چنین ظلمی بدوران کس ندیده	بلی رأس حسین را آن بریده
زدند آتش به خیمه گاه یکسر	در آن دم حمله کرد آن قوم کافر
نمود آنگه که راه خویش را گم	فتاد آنوقت زینب در تلاطم
گاهی بر خیمه و گاهی برون شد	دلش زین ماجرا دریای خون شد
درون خیمه بیمارم بسوزد	بگفتا ترسم آتش برفروزد
چو دائم پیرو راه حسین است	(مظفر) زین سبب در شور شین است
زنی آتش پَر مُرغ صَبَا را	اگر گوئی تو کُلَّ ماجرا را

رفتن حضرت عباس به کنار فرات هفتم ماه محرم ۱۴۲۶ برای آوردن آب ۱۳۸۳/۱۱/۲۹ سروده‌ام.

<p>تاریک شد زغصه که بر چشم وی زمان آن آب را سکینه که از تشنگی خورد لیکن نخورد آب چو ویرا نبود تاب پُر کرد مشک را چو نبوده به وی مجال ناگه عدو نمود رها تیری از کمان آندم روانه گشت که آبش بسوی دشت زد ضربتی فتاد ید راست بر زمین گر دست راست من زتّم گشته است جدا اما هزار حیف که یکدست بی‌صداست دست چپش فتاد در آن لحظه بر زمین چشمان حضرتش که چنان گشت پُرخون نی دست بر گرفتن بودست نی سپر از اسب خود فتاد زمین قطع شد امید عباس را بیاب ایا سبط مرتضی دستان آن برادر نیکش بشد قلم دید آنزمان که چهار طرف گشته سدّ راه</p>	<p>عباس دید تشنگی طفلها چنان سوی فرات رفت که آبی بیاورد خود تشنه بود همچو رسید آن کنار آب آنگه بدید آب که همچون بُود ژلال برگشت آب را که بیارد در آنزمان تیری به مشک اصابت و آبش روانه گشت ملعون دیگری که چو بُودست در کمین با خود بگفت حضرت عباس ای خدا افتاد دست راست ولیکن چپم بجاست زد ضربتی بدست چپش ناگه آن لعین تیر دگر بچشم اصابت نمود چون با گرز آهنین نمود حمله‌ای دگر زد بر سرش عمود چنان آه برکشید گفتا امید قطع شد آدرکنی ای آخا وقتی حسین دید که شد سرنگون علم آمد رسید نزد برادر کشید آه</p>
---	--

گفتا حسین که من چه بگویم به بچه‌ها یا رب (مظفری) چه نویسد از این محن لعن خدا شود به یزید و یزیدیان	نعشت برادرم که چگونه کنم رها نی کلک بر نوشتن و نی طاقت سخن آل علی چه ظلم کشیده زدست آن
--	--

رفتن اَسرا بسوی شام و زبانهال زینب کبری (س) ۱۴۲۶ هـ.ق. روز نهم روز تاسوعا ۱۳۸۳/۱۲/۱
 سروده‌ام.

بسوی شام همه آماده گردید	همان وقتیکه خیمه جمع گردید
چنین گفتا خداحافظ حسین جان	که زینب زد به سر می‌کرد افغان
یتیمان را خودش جمع آوری کرد	به طفلان برادر مادری کرد
نشسته بود در مَحْمِل شکسته	خودش غمگین بود و زار خسته
چو طفلان را شکسته بال پرها	سر نیزه همه بودند سرها
که میگفتا حسین جان وای بر من	که زینب دائماً می‌کرد شیون
حرکت نی کند رأس حسینش	همه ناگه بدید آن شور شیش
رقیه کوچک از ناقه فتاده	بخاک اندر سر نیزه ستاده
بما ظلم ستمها گشته بی حد	که زینب گفت جدا وا محمد
رقیه گر نباشد من بمیرم	بدست شمر گرچه من اسیرم
که میگفتا پدر جان ای پدر جان	چو پیدا شد رقیه زار و نالان
برادر جان کجائی پیشم آئی	عمو جانم کجائی تو کجائی
سرش را زد که بر مَحْمِل شکسته	در اینحالت که زینب زار خسته
سرش گویا که عالم واژگون شد	درون محمل وی پر زخون شد
که زین العابدین پایش به زنجیر	بدست دشمنان باشد که شمشیر

اسیران را همیشه بود این کار الهی تو خودت فریاد من رس ز ظلم ظالمان دائم غمین است	چهل منزل همه با شیون و زار حسین جانم که زینب هست بی کس (مظفر) چون از این بابت حزین است.
---	---

فی بحر المَجْتَث

ورود اسیران به شهر شام و زبانحال دختر سه ساله ۱۵ ماه محرم ۸۳/۱۲/۸ سرود ۱۵م

<p>نبود طاقت دل را همی دوام رسید طیور بال شسکته کنون بدام رسید ز روی بام چو زجری که بره‌مام رسید جگر بسوخت چنان شعله بر امام رسید شراب خورد که بر انتهای جام رسید به اسب سرکش خود گوئیا لُجام رسید گرسنه‌ام چکنم عمه وقت شام رسید چنان گرفت باغوش خود بکام رسید گل معطر بایش چو بر مُشام رسید که دست کوچکش آنکه بدست مام رسید خدا بلطف تو دستم که بر مقام رسید</p>	<p>در آنزمان که اسیران به شهر شام رسید کبوتران محبّت همیشه بود حرم زآتشیکه فرو ریخته شد سر حضرت چو بود بسته به زنجیر دست زین العباد یزید بود که سرمست بادهٔ مخمور بزعم خویش که آن فتح کرده بود چنان که در خرابه رقیه بگفت ای عمه همینکه رأس حسین را برایش آوردند بغل گرفت رقیه زبسگه گریه نمود زهوش رفت رقیه که عمر شد اتمام (مظفرم) چو به سعی و صفا و طوف حرم</p>
--	--

شعری که در مورد حضرت شاه عبدالعظیم و امامزاده‌های همجوارش واقع در شهر ری در
 ۱۳۸۳/۱۲/۱۵ سروده‌ام.

<p>که هست عزت باغ جنان و عرش عظیم و یا که کعبه بود بر مطاف اهل سلیم که حفظ کرده مر آنرا بدان خدای کریم که هر کسی رسد اینجا به وی کند تعظیم بدانکه نام عزیزش که شاه عبدالعظیم بسوی لشگر فرعون می‌رود چو کلیم همیشه عطر بهشتی بیایدش چو نسیم ز نورهای بهشتی بیایدش به حریم برای مردم تهران همیشه هست زعیم می‌آید از حرمش چون همواره عطر شمیم (مظفری) بنمودست شعر را تنظیم که چون کریم تو هستی و هم غفور رحیم</p>	<p>تبارک الله از این بُقعه و بنای عظیم زهی خُجسته بنائی بود که مثل جنان یکی بچشم بصیرت بر این رواق نگر بلی که این حرم حمزة بن موسی هست که (دومی) بود اینجا مفسر قرآن مثال حضرت موسی عصا گرفته بدست که داخل حرمش باصفا و دل انگیز بهر طرف نگری روشن است و نورانی و (سومی) بود اینجا که نام وی طاهر چنان مشام رسد گوئیا زباغ بهشت هزار و سیصد و هشتاد سه زهجرت بود مرا به بخش خدا بر ائمه اطهار</p>
---	--

اشعاری که اینجانب مظفری در عید غدیر سروده‌ام (ترجیع بند)

بدان امروز چون عید غدیر است	برای شعیان عید کبیر است
بفرموده محمد(ص) در چنین روز علی بر اُمّتم شمع شب افروز بدان امروز چون عید غدیر است	ز بعد من علی مولاست امروز ضعیفانرا همیشه هست دلسوز علی بر کُلّ ما فیها امیر است
علی جان تو زانوار خدائی علی جان عاری از عیب و خطائی بدان امروز چون عید غدیر است	علی جان تو زهر عیبی جدائی علیجانم تو سُور (هل اتی)ئی بلی عطر علی مُشک عبیر است
علی شیر خداوند کریم است علی بر دوستان خیلی رحیم است بدان امروز چون عید غدیر است	علی ناجی که از نارنجیم است بلی بوی علی عطر شمیم است علی بر کهکشانشا هم دبیر است
علیجان تو امیرالمؤمنینی علیجان تو عدوی مشرکینی بدان امروز چون عید غدیر است	علیجان سرور روح الامینی بروز جنگ یساری هم یمینی علی مولای ما خیلی بصیر است

<p>بچشم دشمنانت همچو خاری بسویت آب کوثر هست جاری علی نامت به هر عسری یسیر است</p>	<p>رُخت ماه و علی گلگون عذاری برای اینکه احمد را تو یاری بدان امروز چون عید غدیر است</p>
<p>علی باشد بلی ساقی کوثر علی بر دشمنان باشد (مظفر) علی بر شیعیان تاج سریر است</p>	<p>علی باشد بدان یار پیمبر علی باشد برامان یار و یاور بدان امروز چون عید غدیر است</p>

عُسر: سختی ، دشواری

یسیر: آسان

در مورد تولد حضرت فاطمه زهرا(س) که مصادف با بیستم جمادی الثانی روز تولد آن بانوی
 اطهر بود سروده‌ام از خوانندگان عزیز التماس دعا دارم

بنام ذوالجلال حی و داور	نموده خلق عالم را سراسر
بهر قومی فرستاده رسولی	محمد (ص) آمده بر ما پیامبر
خدا داده به پیغمبر عزیزی	که زهرا نام وی باشد که اطهر
بود (منصوره) نامش در سماوات	دگر نامش که می باشد مخدر
ملائک دور حضرت حلقه بسته	چنان با جلوه‌ای باشد که اختر
در آن محفل همی باشد که جبریل	چو عنقا باز بنمودست شهپر
علی را آفریده همطرازش	مبارک نام وی باشد که حیدر
خیابانها چراغان گشته الوان	برنگ آحمر و ابیض و اخضر
همه کوی و خیابانها پر از گل	که گلهايش بود دائم معطر
بهر سو بنگری نور بهشتیست	شعاع نوری باشد منور
که نام فاطمه در آن نمایان	همی الوان و هم زیبا چو گوهر
به این بزم و به این جلوه بگوئیم	هزاران مرتبه الله و اکبر
چو (سور هل اتی) باشد بقرآن	که وی بر پیروانش هست یاور
امید شیعیانت جمله اینست	ثنا خوان تو بوده با پیامبر
مظفری و همچون شیعیان را	شفیع ما تو بایستی بمحشر
هزار و سیصد و هشتاد یک بود	سروده همچو اشعاری (مظفر)

اینجانب مظفری در مورد زیارت نمودن حضرت امام رضا(ع) شعری سروده‌ام از خوانندگان عزیز التماس دعا دارم.

مقدّس می شود بر هر مسلمان وجودش می شود بر درد درمان غبارش را بگیرد حُور و غِلّمان تماشائی بود بر روی ایوان تلاؤء می‌نماید گنبد آن بدور گنبدش در حال طیران و همچون آیدش از چین خاقان بدان انگشت حَیرت را به دندان زیارتگاه هست بر کُلّ انسان رضا جانم نما ما را تو مهمان زبانم قاصر است تعریف بر آن فدا باشد برایت جسم و هم جان بجان مادرت زهرا رضا جان مرا بر حُرمت شاه خراسان اگر چه قلبمان باشد گروگان برمحمّد و آل محمّد صلواة	خراسان جایگاه مسلمین است زیارت کن امام هشتمین را ملائک خاضع است بر آستانش حیاطش هم وسیع با صفا هست شود آن گنبد مینا مُنور کبوترها بود آنجا همیشه اگر چه قیصر رومی بیاید تعجب می کنند آن دو بگیرند که ایوان طلا هم آستانش عجب مهمانسرائی دارد حضرت ضریح و بارگاهش هست زیبا الا ای ضامن آهو دخیلم بفریادم رسی در وقت آخر خداوندا دخیلم من به بخشا ز مشهد می‌رویم بر شهر دیگر ملتمس دعا (مظفری)
--	---

اینجانب مظفری در مورد زیارت نمودن حضرت معصومه(س) شعری سروده‌ام از خوانندگان عزیز التماس دعا دارم.

<p>زیارتگاه هست بر انس و هم جان بشوئیم تا مُعَطَّر گردد ایوان که اطرافش پُر از گل هست و ریحان مثال اختری باشد فروزان چو شمس و الضحی باشد درخشان بود جبریل هم آنجا نگهبان بدان بهر زیارت تا به کیوان که باشد جملگی دائم ثنا خوان زیارت می‌کنند آنجا به ایمان بحق حرمت شاه خراسان ز آنجا هم دری باشد به رضوان که حمله می‌کند بر هر مسلمان ز شر دشمنان و یاوه گویان که قلب ما پُر از نُوری ز قرآن بزن بر صفحه تاریخ دوران سرودم شعر را من با این عنوان خدا بخشا مرا بنما تو شادان</p>	<p>بیا قُم حضرت معصومه اینجاست ز قمصر ما گلاب آورده بودیم ضریحش از طلای ناب باشد همه دیوارها آئینه کاریست نباشد شب در آنجا دان همیشه همه درهای آن باشد مُطَلَّا ملائک بین در آنجا صف کشیده و همچون زائران بی‌شماری همه با نیت خوب و مؤدب شفاعت کن بما ای آل یاسین برو بر جمکران بنما زیارت خدا لعنت کند بر قوم کافر تو یارب حفظ کن این مملکت را محمد (ص) آخرین پیغمبر ماست قلم بر دست گیر و کِلک خامه هزار و سیصد و هشتاد و یک بود مظفری اگر دارد گناهی</p>
--	---

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ »

موقعیکه می‌خواستیم عازم شویم به زیارت عتبات عالیات (به کشور سوریه و کربلا) در روز سه شنبه ۱۳۸۰/۱۱/۲۳ در ساعت ۷ صبح رفتیم به فرودگاه مهر آباد و در ساعت ۱۰ صبح هواپیما از فرودگاه ایران پرواز و (در ساعت ۱/۴۵ به وقت تهران و ۱۲/۱۵ به وقت سوریه به فرودگاه سوریه رسیدیم) و از آنجا توسط نماینده و راهنمای کاروان و به اتفاق زائران دیگر به نزدیک میدان مَرَجَع به هتل النعمان یا (فندق النعمان : شش طبقه) رسیدیم و اطاق ما در طبقه سوم اطاق شماره ۱۶ بود و اطاق مجهزی بود دارای یخچال، کمد بزرگ و کوچک، تلویزیون رنگی و تلفن و تختخوابهای مجهز با ملافه های تمیز و سرویس دستشوئی جداگانه بود. پس از صرف نهار در ساعت ۳ بعد از ظهر به وقت سوریه به وسیله اتوبوس مخصوص کاروان به طرف حرم حضرت زینب سلام الله علیها حرکت کردیم فاصله حرم حضرت زینب تا هتل ۳۰ کیلومتر می باشد (پس از زیارت بعوض خود و فرداً فرد بعوض کلیه فرزندان با خانواده و بعوض پدر و مادر و کلیه خواهران و برادران و التماس دعا کنندگان) و در ساعت ۵/۵ بعد از ظهر به وقت سوریه نماز مغرب و عشا را در آنجا خواندیم و ساعت ۶/۱۰ بعد از ظهر باران سیل آسا به شدت می بارید و کف حیاط حرم پر از آب بود و ساعت ۶/۵ سوار اتوبوس شدیم و به سوی هتل حرکت کردیم ضمناً اشعار زیر در ضریح حضرت زینب که ضریح از ایران فرستاده شده است چنین نوشته شده بود.

نصف ضریح که مخصوص مردها بود(اشعار نوشته شده در ضریح حضرت زینب بشرح زیر است)

ای عصمت حق زاده زهرای مطهر ای شمع شبستان ولایت که بعالم از امّ و اب جدّ تو ای عصمت کبری ای کان شرف مفخر دین مظهر تقوی پرورده تو را ختم رسولان بمحبّت هر چند روا داشت فلک بر تو ستمها در کرب بلا شد زدم تیغ مخالف تعلیم تو از کاتب دین تو در آنروز	ای عالمه فاضله ای دختر حیدر جز فاطمه نبود ز تو از قدر فزونتر گردیده زمین روشن و افلاک منور ای گنج بلاغت ز تو پر از دُر و گوهر داده است بتو درس وفا ساقی کوثر از ماتم مرگ پدر و داغ برادر گلهای گلستان نبی پیش تو پرپر دین باقیه از دولت تبلیغ تو زیور
--	--

این اشعار در سمت راست درب ورودی حرم حضرت رقیه(ع) به دیوار نوشته شده است.

مدفم آباد قصر دشمنم ویرانه است مُرغ بی بال و پری را این قفس کاشانه است فخر می کرد او که مَسْتَم در کفم پیمانه است خود چه مَرْدی کَز غرور سلطنت دیوانه است همچو مرغی کو بسا محروم ز آب دانه است این تکبّر ظالمان را عادت روزانه است پَر شکسته بلبلی را این خرابه لانه است ذَلّت او عزّت من هر دو جاویدانه است	زائرین قبر مَن این شام عبرتخانه است دختری بودم سه ساله دستگیر بی پدر بود سلطانی ستمگر صاحب قدرت یزید داشت او کاخی مجلّل دستگاهی با شکوه داشتم من بستری از خاک و بالینی زخشت تکیه می زد او به تخت سلطنت با کِبَر و جَد بر تن رنجور من شد کهنه پیراهن کفن محو شد آثار او تابنده شد آثار مَن
---	--

ساعت ۴ بامداد روز چهارشنبه ۱۳۸۰/۱۱/۲۴ از خواب بیدار شدیم و نماز نافله شب را خواندیم و ساعت ۵ صبح با تعداد زائران دیگر بطرف حرم حضرت رقیه (س) رفتیم و نماز صبح را در آنجا خواندیم و پس از آن چون روز شهادت حضرت امام جواد بود عزاداری خیلی مفصلی که کلیه زائران ایرانی بودند عزاداری کردیم و فیلم برداری هم کردند و ما هم همان فیلم عزاداری را خریدیم و پس از آن به هتل برگشتیم. پس از صرف صبحانه ساعت ۹ صبح با اتوبوس به طرف حرم (حُجْر بن عُدی) یکی از صحابه های باوفای حضرت علی (ع) رفتیم و زیارت کردیم فاصله مرکز شهر تا آنجا (۳۰ کیلومتر است پس از زیارت در ساعت ۱۱/۵ صبح به هتل برگشتیم و ساعت ۱۲ ظهر با تهران (با حسن آقا) تماس گرفتیم.

ضمناً شعری در مورد حضرت رقیه (س) سروده شده و در دیوار سمت چپ حرم وی نصب گردیده به شرح زیر است:

<p>آنکو در این مزار شریف آرمیده است این قبر کوچک است از آن طفل خردسال اینجا ز تاب غم دل زینب شده است آب اینجا ز پا فتاده و او را ربوده خواب یارب بجز رقیه کدامین یتیم را نازم بآنکه هستی خود داده و ز خدای تنها زمین نگشته عزاخانه حسین بر چندیش محال بود تا ابد صغیر</p>	<p>امّ البكاء رقیه محنت کشیده است کز دهر سالخورده بسی رنج دیده است بس ناله یتیم برادر شنیده است طفلی که روی خار مغیلان دویده است تسکین بدیدن از تن سرو بریده است روز ازل متاع شفاعت خریده است پشت فلک هم از غم آنشه خمیده است سلطان عشق طرفه بساطی که چیده است</p>
--	---

۱۳۸۰/۱۱/۲۴ چهارشنبه «الجامع الأموی - ضریح صلاح الدین»

روز چهارشنبه رفتیم به کاخ و مسجد اموی : مسجد اموی خیلی مسجد بزرگ و با عظمتی می باشد تقریباً به طول ۱۰۰ متر و بعرض ۳۰ متر در داخل مسجد دو ردیف ستون دارد و در هر ردیف ۲۲ عدد در واقع کل مسجد دارای ۴۴ ستون می باشد (همان مسجد است که اُسرای کربلا را در مقابل یزید نشانده بودند و دارای یک منبر است حضرت امام زین العابدین روی همان منبر خطبه خوانده است.

و همچنین تقریباً در وسط مسجد یک ضریحی وجود دارد سر حضرت (یحیی) را در آنجا دفن کرده اند و سقف مسجد خیلی بلند است تقریباً با ارتفاع ۳۰ متر می باشد و در داخل

مسجد یک چاه و یک حوض کوچک در کنار آن وجود دارد. قبل از اسلام مسیحیها بچه های نوزاد خود را با آب چاه و در داخل همان حوض کوچک غسل می داده اند. و مقام رأس الحسین (ابا عبدالله الحسین) در همان مسجد است و محل عبادتگاه حضرت امام زین العابدین هم در همانجا می باشد. در داخل مسجد دو رکعت نماز خواندیم و در کنار منبر هم عکس انداختیم (مسجد الصحابی الجلیل ابی درداء زیر دیوار کارخ معاویه قرار دارد) در مقام رأس الحسین (ع) چنین نوشته است «مرقد رأس سیدنا الأمام ابی عبدالله الحسین رضی الله تعالی عنه» بعد از آنجا رفتیم به آرامگاه حضرت رقیه (ع) پس از زیارت نماز مغرب و عشا را در همانجا خواندیم و بعد از آن به هتل النعمان برگشتیم.

۱۳۸۰/۱۱/۲۵ پنجشنبه قبل از اذان صبح رفتیم به حرم حضرت رقیه (ع) نماز جماعت را در آنجا خواندیم و همچنین یک حلقه فیلم و یه یوتیوب که قبلاً ثبت نام کرده بودیم گرفتیم. بعد از ظهر روز پنج شنبه ساعت ۴ بعد از ظهر با کلیه کاروان رفتیم زینبیه پس از زیارت و خواندن نماز مغرب و عشا و پس از خواندن دعای کمیل ساعت ۷/۵ شب به هتل برگشتیم

۸۰/۱۱/۲۶ روز جمعه و ۸۰/۱۱/۲۷ شنبه پیش از ظهر رفتیم از کنار قلعه دمشق قدیمه (کاخ معاویه) عبور کردیم و رفتیم به همان (مسجد بزرگ الأمیه) اتفاقاً همانروز (روز

جمعه آقای عارف و همراهان از ایران آمده بودند از آن مسجد دیدن می کردند) و بعد از رفتن آنها ما رفتیم داخل مسجد اهالی آنجا به ترتیب می آمدند برای نماز جمعه.

پس از دیدن مسجد رفتیم به حرم حضرت رقیه (ع) پس از زیارت و خواندن نماز ظهر به هتل برگشتیم.

ضمناً مسجد در سال ۱۳ یا ۱۶ هجری از مسیحیان گرفته شده و دست امویان افتاده قلعه شام ۱۰ باب دارد :

۱-باب بازار حمیدیه (بازار شام) اسرای کربلا را از همین درب وارد کرده اند این درب روبروی بازار شام بوده و در قدیم این مکان را جنت فی الأرض مدینه الشَّهر می گفتند و این قلعه ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد بوده در اول در دست آخن هندوها بوده بعد به دست مسیحیها افتاده و بعد از فتح مسلمانان به مسیحیها مقداری پول داده که آنها در جای دیگر کلیسا بسازند و مسلمانان تحویل گرفتند و آنرا مسجد جامع گفتند مساحت کل بنا ۱۵ هزار متر مربع مساحت داخل مسجد ۵ هزار متر مربع ارتفاع مسجد از زمین تا سقف ۳۰ متر و تا زیر گنبد ۳۵ متر می باشد و یک منبری هم در داخل مسجد وجود دارد که حضرت امام زین العابدین روی آن سخنرانی و خطبه معروفش را در همانجا خوانده است. ((بعد از خواندن خطبه)) یزید از امام زین العابدین خواسته که چه خواسته ای داری تا انجام بدهم. امام سه خواسته داشته :

۱-اولین خواسته سر شهدا را ببرند در کربلا با تن شهدا در یکجا دفن کنند.

۲- دوم برای شهدا در شهر شام عزاداری کنند.

۳- محملی آماده کنند تا اسرا را به شهر مدینه برگردانند.

از امام زین العابدین سؤال کردند در کجا به شما سخت گذشته سه بار فرمودند الشام الشام الشام.

((در سال ۱۳۸۰)) حضرت رقیه ۱۳۶۰ سال پیش به شهادت رسیده اند.

مسجد دارای ۴۴ ستون اصلی و ۸۸ ستون کوچک که روی ستونهای بزرگ قرار گرفته اند روی هر ستون بزرگ در کوچکی وجود داشته که خلفا از قصرهای بزرگ خود از راههای زیرزمینی می آمدند و از این درهای کوچک وارد مسجد می شدند و هیچگونه تماسی با مردم نداشتند (در داخل این مسجد مقبره کوچکی وجود دارد که سر مبارک حضرت یحیی در آنجا دفن شده و تن مبارکش در شهر اریها در فلسطین دفن شده است.

حضرت یحیی در زمان هرودوت پادشاه روم زندگی می کرده و آن شاه عاشق دختر خودش شده بوده که می خواسته با او ازدواج کند ولی حضرت یحیی می گفت حرام است به همان جهت سر او را بریدند بعد از بریدن سرش هرودوت دوباره می پرسید باز هم می گوئی حرام است سر بریده سه بار فتوی دادند حرام است و یکجائی هم هست به نام خضر پیغمبر و جای دیگری هم در داخل حیاط با ستونهای هشت ضلعی وجود دارد که بیت المال را در داخل آن نگهداری می کردند و جای منعه قربانی هم در آنجاست که حضرت آدم می خواسته جانشینی خود را انتخاب کند به بچه هایش گفت هر کدام

تحفه‌ای بیاورند برای قربانی قابیل که خیلی ثروتمند بوده گوسفند می آورند ولی هابیل خوشه گندم می آورد که خداوند نذر هابیل را قبول می کند. و جایی هم هست برای تعیین ساعت که آب رد می شده به وسیله آب ساعت را تعیین می کردند و این تنها مسجدی هست که ۴ محراب دارد چون مسلمانان سنی ۴ فرقه هستند هر فرقه پشت یک محراب نماز می خوانند.

(کوه جبل قاسیون کوهی که قابیل برادرش هابیل را در آنجا به قتل رسانیده و برده و دفن کرده است.

۸۰/۱۱/۲۸ یکشنبه ساعت ۹ صبح با کلیه کاروان رفتیم زیارت حضرت هابیل، (زیارتگاه و قبر هابیل) در راه لبنان واقع شده و از شهر تا آنجا تقریباً ۵۰ کیلومتر می باشد مدفن هابیل بر سر یک کوهی واقع شده است و در داخل حیاط وی یک درخت تنومندی بقدمت ۱۰۰۰ ساله به نظر می رسد و طول قبر وی بطول هفت متر می باشد و روی آن یک پارچه مخملی قرمز رنگی کشیده شده بود پس از زیارت به هتل خود برگشتیم. و بعد از ظهر همان روز رفتیم زیارت حضرت رقیه (س) و پس از نماز مغرب و عشاء به هتل برگشتیم.

۱۳۸۰/۱۱/۲۹ دوشنبه (زیارتگاههاییکه در باب الصغیر واقع شده است) بشرح زیر است:

۱- ام السلمه: از زوجه های حضرت محمد رسول الله (ص)

۲- ام حبیبه: از زوجه های حضرت محمد رسول الله (ص)

۳- عبدالله ابن امام زین العابدین

۴- مقام رئوس شهداء کربلا (مقام ۱۶ سر شهدا)

۵- مسجد امام سجاد (ع) و چاه امام سجاد: چاهی که از آن آب کشیدند و حوضیکه در

آنجا وجود دارد سرهای مبارک ۱۶ تن شهدا را در آن شسته و غسل داده و در آنجا دفن

کرده‌اند.

۶- حضرت سکینه و حضرت ام کلثوم

۷- فاطمه صغری دختر امام حسین (ع)

۸- عبدالله پسر امام جعفر صادق (ع)

۹- زوجه جعفر طیار

۱۰- حمیده بنت مسلم بن عقیل

۱۱- ام الحسن بنت امام حسن ابن علی

۱۲- بلال حبشی و عبدالله بن جعفر

۱۳- سید محمد سلیم گویا از بزرگان شیعه باشند

۱۴- رضا مرتضی گویا از بزرگان شیعه باشند

و بعد از ظهر هم رفتیم زیارت حضرت زینب (س)

۸۰/۱۱/۳۰ سه شنبه پیش از ظهر رفتیم زیارت حضرت رقیه (س) و بعد از ظهر هم رفتیم زیارت حضرت زینب (س) و پس از خواندن نماز جماعت ساعت ۶/۵ سوار ماشین شده به هتل برگشتیم.

۱۳۸۰/۱۲/۱ چهارشنبه ساعت ۷ بعد از ظهر پس از خوردن شام به فرودگاه سوریه رفتیم و در ساعت ۱۲ شب با هواپیما به سوی عراق پرواز و در ساعت ۱/۵ بامداد به فرودگاه بغداد رسیدیم و از آنجا به سوی هتل (فندق و مطعم آدم) واقع در شارع السعدون علویه و در طبقه سوم آن هتل اطاق ۳۱۰ قرار گرفتیم و فردای آنروز یعنی

۸۰/۱۲/۲ به کاظمین رفتیم و حضرت امام موسی کاظم و حضرت امام محمد تقی که در داخل یک ضریح خیلی بزرگ قرار دارند و هر کدام در داخل یک ضریح کوچکتر قرار دارند را زیارت کردیم و در بالای دو طرف (سردر) و همچنین بالای در (یعنی سه جای در ورودی) نوشته شده است (السلطان بن السلطان بن السلطان ناصر الدین شاه قاجار).

در کاظمین خیابانی وجود دارد بنام باب المراد و در روبروی در باب المراد کاظمین قرار دارد از بغداد تا کاظمین ۱۵ کیلومتر است و از بغداد تا سامراء ۱۲۰ کیلومتر می باشد.

قبر آیت الله شیخ مفید (ره) در داخل مسجد نزدیک ضریح کاظمین است و تقریباً ۷ متر فاصله دارد ((ضریح السید احمد بن السید مصطفی مسجدی دارد در داخل حیاط کاظمین همچنین السید اسماعیل بن الامام موسی کاظم و ابو یوسف یعقوب بن ابراهیم بن حبیب بن سوربن جابر بن عبدالله انصاری که مقبره همه شان در داخل این مسجد قرار دارد.))

۱۳۸۰/۱۲/۳ جمعه روز عید قربان زیارتگاه امامزاده سید محمد هادی در سر راه بغداد به سامراء قرار داد و فاصله بغداد تا سید محمد ۷۰ کیلومتر است. امامزاده سید محمد هادی برادر امام حسن عسگری و پسر امام علی النقی و عموی صاحب الزمان است پس از زیارت چون روز عید قربان بود یک گوسفند قربانی از طرف کاروان خریداری و قربانی را ذبح کردیم و بعد از آن به سامراء رفتیم:

امام دهم و یازدهم و حکیمه خاتون دختر جواد الائمه و نرجس خاتون، مادر امام زمان و سرداب امام زمان که ۲۷ پله دارد همه شان در شهر سامراء می باشند و همه را زیارت کردیم و رود دجله هم از کنار شهر سامراء می گذرد و از داخل شهر بغداد روان است (و جزیره بغداد هم در وسط این رود عظیم که وسطش خشکی می باشد قرار دارد) (روز اول

موقع برگشتن از کاظمین رفتیم جزیره بغداد که آنجا در هتل جزیره پس از صرف نهار
بربالای برج جزیره بغداد با آسانسور رفتیم و عکس هم انداختیم).

روز دوم در موقع برگشتن از سامراء در طول راه (در هتل العمل السیاحه) نهار صرف
گردید و بعضی از درختها نیز گل باز کرده بود و رودهای بزرگی پر از آب که از رود
دجله منشعب کرده بودند جاری بود بسوی نخلستانها، از آنجا آمدیم دوباره به حرم موسی
کاظم(ع) و امام جواد(ع) را زیارت کردیم و ساعت ۱۰ شب آمدیم در داخل شهر بغداد
به «هتل مطعم و مشویات العزائم» شام را صرف نمودیم.

۱۳۸۰/۱۲/۴ شنبه که ساعت ۴ صبح بیدار شدیم و با کلیه کاروان رفتیم به زیارت کاظمین
برای زیارت وداع پس از نماز صبح و زیارت در ساعت ۷ صبح به منزل برگشتیم.

فواصل شهرها در عراق بشرح زیر است:

۱- از بغداد تا نجف ۱۸۰ کیلومتر

۲- از بغداد تا کاظمین ۱۵ کیلومتر

۳- از بغداد تا کربلا ۱۰۲ کیلومتر

۴- از نجف تا کوفه ۵ کیلومتر

۵- از نجف تا کربلا ۸۰ کیلومتر

۶- از بغداد تا مرز سوریه تقریباً ۵۴۰ کیلومتر

۷- از بغداد تا سامراء ۱۲۲ کیلومتر.

۱۳۸۰/۱۲/۴ شنبه: بعد از آنکه در ساعت ۷ صبح از کاظمین برگشتیم، پس از صرف صبحانه در ساعت ۱۰ صبح بطرف نجف اشرف عازم شدیم. پس از طی تقریباً ۲۳ کیلومتر شهرک محمودیه می‌باشد و پس از آن به دوراهی مقام خضر(ع) رسیدیم دوباره پس از طی چند کیلومتر به دوراهی قاسم بن حسن و بعد از آن به پل عظیم رود فرات رسیده و از روی پل گذشتیم و رسیدیم به شهر نجف اشرف و در هتل (الوادی المقدس) منزل گرفتیم و در طبقه دوم اطاق شماره ۱۳۵ ساکن شدیم و ساعت ۴ بعد از ظهر رفتیم زیارت حضرت علی (ع) تا ساعت ۸/۵ شب آنجا بودیم.

۱۳۸۰/۱۲/۵ یکشنبه: ساعت ۴/۵ صبح بسوی صحن حضرت علی (ع) رفتیم نماز صبح را در آنجا خواندیم و پس از زیارت به ((قبرستان وادی السلام)) رفتیم در آنجا دو گنبد سبز صافی الصفا الیمانی رحمه الله علیه و مقام حضرت امام زین العابدین (ع) میباشد پشت این دو گنبد دریای نجف قرار دارد. قبر بزرگان (در نجف مقدس اردبیلی آیت الله خوئی و علامه حلّی و مصطفی خمینی و تعدادی از بزرگان شیعه) دویست یا سیصد سال قبل دریا تا نزدیک این دو گنبد بوده است الان آبش کم شده.

امام زین العابدین در عراق ۸ مقام دارد ((روایت است قبرستان وادی السلام در نجف و قبرستان کربلا هر وقت بهم چسبیدند)) آنوقت ظهور امام زمان است .

«مسجد حنّانه» حضرت علی (ع) همیشه در آن مسجد نماز می خوانده. چون چند روزی آنجا نماز نخوانده بود دیوار مسجد از ناراحتی منحنی گشته بود لذا بدان جهت آن مسجد را حنّانه میگویند.

«مقام کمیل بن زیاد» از آنجا رفتیم کمیل بن زیاد را زیارت کردیم . (کمیل بن زیاد را حجاج بن یوسف ملعون بشهادت رسانده است .)

«مسجد میثم تمّار» بالای درش نوشته شده است (یا میثم بن یحیی التّمّار)

در آنجا روی پلّه های مسجد با کلیه کاروان عکس دسته جمعی انداختیم . از آنجا رفتیم مسجد کوفه

(مسجد کوفه)

این مسجد قبلاً ۴ در داشته است همه در ها را بسته اند بجز یک در این در قبلاً به باب آرژان شهرت داشته و الان باب الفیل میگویند. در این مسجد هر زائر باید ۷۲ رکعت نماز بخواند .

۱- مقام حضرت ابراهیم ۴ رکعت

۲- مقام خضر ۲ رکعت

۳- مقام دگّه القضا (حضرت امیر قضاوت میکرد) ۲ رکعت

۴- بیت الطشت ۲ رکعت

۵- مقام حضرت محمد ۲ رکعت

۶- مقام حضرت آدم ۲ رکعت

در این مکان جبرئیل برای حضرت آدم نازل شد و گفت خدا را بنام پنج تن قسم بدهد توبه‌اش قبول می‌شود. حضرت آدم بعد از ۴ سال عبادت خدا را به پنج تن قسم داد و توبه‌اش قبول شد.

۷- مقام جبرئیل ۲ رکعت

۸- مقام حضرت زین العابدین ۲ رکعت (دعا و سجده دارد)

۹- امام جعفر صادق ۲ رکعت

۱۰- برای نوح پیامبر ۴ رکعت

۱۱- حضرت علی ۲ رکعت

۱۲- محل ساختن کشتی نوح در وسط حیاط مسجد کوفه قرار دارد

۱۳- ساعت حضرت علی (ع) بر سنگ تراشیده شده در وسط حیاط مسجد کوفه قرار دارد

۱۴- نماز ظهر و عصر را با نماز جماعت در این مسجد خواندیم

۱۵- حضرت مسلم ابن عقیل ۲ رکعت

۱۶- مختار عبیده ثقفی ۲ رکعت

۱۷- هانی ابن عروه ۲ رکعت

پس از اعمال مسجد بزرگ کوفه به هتل (الوادی المقدس) واقع در شهر نجف اشرف مراجعت کردیم .

ساعت ۵ بعد از ظهر رفتیم زیارت حضرت علی (ع) و ساعت ۹ شب به هتل برگشتیم .

دوشنبه : ساعت ۴ صبح با همه کاروان رفتیم به زیارت وداع حضرت علی (ع) پس از زیارت ساعت ۸ صبح رفتیم بسوی قبرستان وادی السلام .

« قبرستان وادی السلام »

۱- مرقد الأنبياء هود و صالح (ع) در آنجا واقع است پس از زیارت قبور انبیاء (ع) در

آنجا ۴ رکعت نماز تحیت خواندیم

۲- مقام الامام مهدی بن حسن العسگری صاحب الزمان (در آنجا چنین نوشته شده

است) اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ ابْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ (ع)

(در سنه ۱۳۵۲ نوشته شده است)

۳- چاه امام زمان نیز در آنجا ست عمق عِشرین متر (۲۰ متر) از آن چاه مسؤلین آب

کشیدند ما وضوء گرفتیم در مقام حضرت مهدی (ع) ۲ رکعت نماز خواندیم

۴- مقام الامام جعفر الصادق (ع) : ۲ رکعت

بعد از آن آمدیم هتل پس از صرف صبحانه در ساعت ۱۰ صبح بسوی مسجد سهله
براه افتادیم و در ساعت ۱۰/۵ به مسجد سهله رسیدیم.

((اعمال مسجد سهله چنین است))

۱- برای تحیت مسجد ۲ رکعت

۲- خانه ادریس پیغمبر ۲ رکعت

۳- تحیت مقام صالحین نماز برای تمام پیغمبران ۲ رکعت

۴- برای حضرت ابراهیم پیغمبر ۲ رکعت

۵- مقام امام زین العابدین ۲ رکعت

۶- مقام حضرت خضر ۲ رکعت

۷- مقام امام زمان ۲ رکعت

و نماز ظهر و عصر را (نماز جماعت) خواندیم و در ساعت ۱۳ بسوی کربلای معلّی
حرکت کردیم دوباره با کاروان آمدیم از کنار مسجد کوفه گذشتیم و خانه حضرت
علی (ع) را که تازه تعمیر می‌کردند عبور کردیم و رسیدیم به جاده کربلا و در
ساعت ۲/۵ بعد از ظهر به کربلا رسیدیم و در فندق نُورالهُدی ۸ شارع ابن الحمزه
ط ۲ تلفن ۳۲۰۱۰۵ قرار گرفتیم اطاق ۱۰۷ از اطاق ما گُنبند حضرت عباس (ع) و
گلدسته هایش دیده میشد و هر وقت چشمان می افتاد سلام می‌کردیم

دوشنبه ۱۳۸۰/۱۲/۶ (کربلا)

و رفتن به زیارت امام حسین (ع)

در ساعت ۶/۵ بعد از ظهر بسوی حرم حضرت امام حسین (ع) رفتیم تقریباً ۳۰۰ متر مانده به حرم کفش ها را از پا در آوردیم با پای برهنه بسوی حرم براه افتادیم وقتی به حرم رسیدیم ضریح حضرت را زیارت کردیم . در داخل آن ضریح امام حسین (ع)

حضرت علی اکبر پائین ضریح و علی اصغر نیز روی سینه امام حسین (ع) قرار گرفته است. در سمت چپ درب ورودی اصلی حیب ابن مظاهر و نزدیک آن نیز قتلگاه می باشد و در داخل قتلگاه چراغ قرمز رنگی وجود دارد. (مهتابی قرمز رنگ) و در قسمت ته راهرو ضریح ابراهیم مُجاب قرار گرفته است و در قسمت راست حرم شهدای ۷۲ تن میباشد ضمناً در هر جا که ضریح را زیارت میکردیم دو رکعت نماز می خواندیم. و پس از زیارت در ساعت ۸/۵ شب رفتیم به بارگاه باعظمت حضرت عباس ابن علی (ع) و پس از زیارت ۲ رکعت نماز خواندیم و در ساعت ۱۰ شب به هتل مراجعت کردیم.

(۱۳۸۰/۱۲/۷ سه شنبه)

۱- اول رفتیم زیارت امام حسین (ع) و بعد از آن رفتیم تلّ زینبیه را زیارت کردیم و در آنجا عکس هم انداختیم.

۲- به محلی رفتیم که دست چپ حضرت عباس را که تقریباً ۲۰۰ متر با ضریحش فاصله دارد را زیارت کردیم.

۳- محل دست راست حضرت عباس را که تقریباً ۳۰۰ متر با ضریحش فاصله دارد را زیارت کردیم. و یک گوسفند قربانی هم در آنجا ذبح کردیم.

۴- مَرَقَد امام عَوْن (ع) پسر عبدالله ابن جعفر الطیاربن ابی طالب که از کربلا ۱۰ کیلومتر فاصله دارد زیارت کردیم و بعد از آن به ماشین سوار شدیم رفتیم از شط فرات گذشتیم رفتیم به زیارت طفلان مسلم ابن عقیل « پلی که روی شط فرات قرار دارد خیلی بزرگ است و رود فرات هم مثل دریای خروشان »

۵- (حضرت محمد دست چپ در ورودی) و (ابراهیم دست راست در ورودی) که زیارتگاهشان در شهر مسیب میباشد و از کربلا ۳۰ کیلومتر فاصله دارد زیارت کردیم و مقداری آب فرات با ظرف مربوطه خریدیم و آوردیم.

۶- موقع برگشتن آمدیم (حُرَبَن یزید ریاحی تمیمی) (از قبیله بنی تمیم) را زیارت کردیم و بعد از آن نماز ظهر و عصر را با جماعت در حَرَم حُرَبَن ریاحی خواندیم.

۷- به خیمه گاه آمدیم آنجا را تعمیر می کردند زیر ایوان ۲ رکعت نماز خواندیم. ضمناً در هر زیارتگاه بعد از زیارت ۲ رکعت نماز خواندیم و بعد از آن رفتیم به بارگاه با عظمت حضرت امام حسین (ع) پس از زیارت به هتل مراجعت کردیم.

۸- ساعت ۵ بعد از ظهر برای خرید با کلیه کاروان به بازار رفتیم خرید کردیم و از همانجا به زیارت امام حسین (ع) رفتیم. سپس چون شب چهارشنبه بود من خودم دعای توسل را در بارگاه امام حسین (ع) با صدای بلند خواندم و تمام نفرات کاروان تکرار

کردند. پس از دعا دوباره با همه کاروان رفتیم حرم زیارت کردیم. و در ساعت ۱۰ شب بمنزل مراجعت کردیم. ((ضمناً تمام درهای حرم و ضریح تمام ائمه اطهار چه در سوریه و چه در عراق اکثراً ساخت اصفهان و ایران است)) که زینت بخش آستان کلیه ائمه اطهار ملک پاسبان میباشند

(زیارت وداع) در کربلا

۱۳۸۰/۱۲/۸ چهارشنبه) ساعت ۵ صبح با کلیه کاروان به زیارت امام حسین (ع) و حضرت عباس رفتیم همچنین مرقد سید علی ابن حمزه را نیز نزدیک هتل ما بوده زیارت کردیم و پس از زیارت به اتوبوس شماره ۴۰۹۷۵ کشور عراق سوار شدیم و تعداد دوبار دور حرم اباعبداله الحسین (ع) و حضرت عباس (ع) را داخل اتوبوس بودیم دور زدیم و طواف کردیم و در ساعت ۱۰/۱۵ صبح بطرف کشور سوریه براه افتادیم. آمدیم بطرف بغداد و از شهرک محمودیه که گذشتیم نرسیده به بغداد بطرف سمت چپ از راه (رتبلطه - فلوجه)

و از جاده (رمادی) رفتیم و پس از مدتی راه رفتن از روی شاخه ای از شطّ دجله گذشتیم و در ساعت ۱۳ برای صرف نهار رفتیم (در بین راه) به هتل (أمّ القریّ السیاحی) و پس از نهار و خواندن نماز در ساعت ۲/۱۵ بعدازظهر براه افتادیم. در ۴۱۰ کیلومتری از سمت راست جاده به (عکاشات) میرود.

و در ۴۵۳ کیلومتری سمت راست میرود به (أردن - طریبیل)

فاصله شهر بغداد تا مرز گمرک سوریه تقریباً ۵۳۰ کیلومتر میباشد و جاده اش اتوبان و درجه ۱ می باشد . در ساعت ۷ بعدازظهر به گمرک عراق و سوریه رسیدیم و پس از کارهای گمرکی با اتوبوس کشور سوریه بسوی پایتخت سوریه (دمشق) براه افتادیم و در ساعت ۲ بعداز نصف شب به هتل قبلی که بودیم (فندق النعمان) رسیدیم و در طبقه پنجم هتل اطاق شماره ۳۶ قرار گرفتیم .

(۱۳۸۰/۱۲/۹ پنجشنبه) در کشور سوریه

پیش از ظهر رفتیم زیارت حضرت رقیه (س) مقداری هم از بازار خریداری کردیم . و بعدازظهر هم رفتیم به زیارت حضرت زینب (س) و چون شب جمعه بود دعای کمیل را نیز در مصلائی بزرگ آنجا خواندیم و پس از آن به هتل مراجعت کردیم .

(۱۳۸۰/۱۲/۱۰) جمعه

دوباره به حرم حضرت رقیه رفتیم و پس از زیارت ساعت ۱۱ صبح به هتل برگشتیم و بعدازظهر برای برگشتن به ایران ساعت ۳/۵ به فرودگاه دمشق رفتیم با آن هواپیمائی که قرار بود ساعت ۵ بعدازظهر بیایم تهران . بلیط زیادی فروخته بودند بما نوبت نرسید.

و با یک هواپیمای دیگری که قرار بود به فرودگاه رشت بیاید ساعت ۲/۵ بعداز نصف شب هواپیما از فرودگاه کشور سوریه پرواز کرد و در ساعت ۶ صبح به فرودگاه رشت رسیدیم .

شنبه ۱۳۸۰/۱۲/۱۱

پس از خروج از فرودگاه رشت ساعت ۸ صبح با یک ماشین سواری در بست بسوی تهران براه افتادیم و در ساعت ۲ بعدازظهر به در خانه رسیدیم و جلوی در پس از استقبال فرزندان و بستگان و گشتن گوسفند قربانی و عکس برداری وارد منزل شدیم .

روز عید غدیر خُم ۱۳۸۰/۱۲/۱۲

روز عید غدیر خُم ولیمه داریم خدا با تمام آرزومندان دوباره قسمت کند انشالله

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ (ارادتمند مظفری)

بسمه تعالی

اینجانب مظفری با همسرم روز سه شنبه ۸۰/۱۱/۲۳ با هواپیما برای زیارت به سوریه رفتیم و پس از ۹ روز روز پنجشنبه بعد از شام ساعت ۱۲ شب بسوی کشور عراق با هواپیما پرواز و پس از ۶ روز توقف در عراق دوباره به سوریه برگشتیم و از آنجا به فرودگاه رشت آمدیم و از آنجا روز شنبه ۱۳۸۰/۱۲/۱۱ به تهران آمده به منزل رسیدیم.

<p>آنکه رحمن الرَّحیم است همچنان بخشنده وی تا نمائیم ما زیارت آل (عین. لام. ی) آل علی از فرودگاه تا هُتَل نُعمان را کردیم طی طفل معصوم حسین باشد رقیه نام وی نام وی باشد بدان چون (زا و. یا و. نون. ب) (زینب) تا نمودیم ما زیارت قبر حُجر بن غَدی جایشان باشد که (باب. صادغین. یا و. ر) (باب صغیر) روی کوه آرامگاهش با صفا هست جای وی کاخ دارد هم معاویه بُود لعنت به وی جان ما قربان کاظم هم به (تا و. قاف. ی) (تقی) آنکه صاحب ذوالفقار است نامش (عین. لام. ی) (علی) لعن باشد بر یزید و هم به (شین. میم. ر) (شمر) آن بود هم سرو قامت روی آن چون (میم. ه) (مه) لعن بر آن ظالمیکه ضربه زد بر دست وی روی خاکستر چرا آن (خاء. و او. لام. ی) (خولی)</p>	<p>من ز بسم الله کمک گیرم که آن هست نام وی سال هشتماد مه بهمن که ما رفتیم به شام از هواپیما پیاده بعد از آن هم با ماشین صبح روز بعد بنمودیم زیارت حُضرتش ما چو رفتیم زینبیه بر زیارت همچنان روز بعدش همچنان رفتیم ما بیرون شهر حضرت کلثوم و سکینه حمیده فاطمه ما نمودیم چون زیارت حضرت هاییل را مسجدی دارد امیه آن بسی باشد عظیم بالأخص رفتیم ما بهر زیارت بر عراق ما که بنمودیم زیارت در نجف مولایمان جان من باشد فدایت ای حسین ابن علی در شجاعت حضرت عباس باشد چون علی آنکه میخواست آورد آبی برای بچه‌ها رأس پر نور حسین را آن لعین بگذاشته بود</p>
---	---

<p>(حارث)</p> <p>(شکر)</p> <p>(مظفر)</p>	<p>نام قاتل را بگویم (حا. و. الف. را. و. ث)</p> <p>زُلف‌داری همچو عنبر لب چو (شین. کاف. ر)</p> <p>ای آقا بنما ظهوری انتظاری تا به کی</p> <p>یک قدح نوشم اگر لطفی کنی از جام می</p> <p>عید غدیر همچنین ولیمه دادیم بر همه</p> <p>کس نگفته مثل شعر (میم. و ظا. و. فا. و. ر)</p>	<p>آن دو طفلان را که مسلم داشت ناحق شد شهید</p> <p>من فدا باشم بنامت ای آقا صاحب زمان</p> <p>کافران ظلم زیادی می کند بر دوستان</p> <p>لطف کن آقا که چشمم دائما بر دست تُست</p> <p>روز یازدهم اسفند هم بخانه آمدیم</p> <p>شاعران بسیار گفته شعرهای مختلف</p>
--	---	---

این اشعار را که در ضریح مقدس «امامزاده صالح» واقع در تجریش است پس از زیارت در تاریخ
 ۱۳۶۷/۴/۹ اینجانب مظفری نوشتم و از خوانندگان عزیز التماس دعا دارم.

<p>آرامگاه زاده موسی بن جعفر است دُرْدانه ای ز نسل شریف پیمبر است سَر تا سَر فضای شمیران معطر است این نور چشم حیدر زهرای آطهر است زیرا امام هشتم ما را برادر است اینجا شفا برای مریضان میسر است یار و پناه مردم مسکین مُضطر است صالح گلی ز گلشن ساقی کوثر است این داند آن ادیب که قلبش منور است ۱۲۹۷ اینجا محل دفن عزیز پیمبر است با ساحت مقدس جنت برابر است زیرا رهی بروضة رضوان از این در است</p>	<p>این روضه کز فروغ الهی منور است این سید جلیل که صالح بود بنام زین روضه خود دریست بجنت از آن سبب این کوکب مُنیر سپهر نبوت است صف بر کشیده گرد رواقش فرشتگان اینجا مطاف و مأمَن زوار حضرتش فرزند با سخاوت باب الحوائج است در این حرم غبار غم از لوح دل بشوی تاریخ بازسازی این صحن و بارگاه پا را شما باحترام گذارید بر زمین همت بلند دار که این آستان قدس در بارگاه حضرتش از صدق نه قدم</p>
--	--

اشعار زیر را که در ضریح مبارک (بی بی شهربانو) در کوه شهر ری می باشد اینجانب مظفری یادداشت

نمودم (تابستان ۱۳۶۱) ۱۳۶۱/۵/۳۱

دختر شه یزد جردم وارث نوشیروان بی قرین و بی نظیرم بانوی شه بانوان شاهدختم شه زنانم حال هم جنت مکان بهر هر حاجت به نزدم آید هر پیر و جوان مورد لطف بتولم موجب فخر زنان مادر زین العبادم حکمران انس و جان	من عروس احمدم آن خاتم پیغمبران همسر شاه شهیدم شهر بانو نام من مردم گر کوچک است اما ببین من کیستم گر چه هستم منزوی در کوهسار ری چنین پس مؤدب باش چون ناموس شخص حیدرم افتخار هر دو عالم را خدا داده بمن
--	--

۱-سوره هائیکه از ۱۰۰ آیه کمتر باشد مثنائی گویند.

۲-سوره هائیکه در آخر قرآن آمده سوره های قصار می گویند.

۳- اولین سوره که به حضرت محمد (ص) که در مکه اعلام فرمودند سوره نجم بود.

۴- اولین سوره که در مدینه نازل شد سوره بقره بود.

۵- نخستین کسی که قرآن را جمع آوری کرد حضرت علی علیه السلام است.

اشعار زیر را که در ضریح مبارک (سید ناصر الدین) در نزدیک بازار تهران واقع است در تاریخ ۸۲/۴/۱۹

پس از زیارت یادداشت نمودم.

تبارک الله از این بقعه بهشت آئین زهی خجسته بنائی که همچو کعبه بود شرف نگر که برو بد غبار این درگاه یکی بچشم بصیرت بر این رواق نگر بلی که این حرم محترم بود خوشدل عزیز حضرت سجّاد نور چشم حسین همین زمرتبت وی شرافت نسبت است پناه خلق جهان خاصه مردم تهران همین نه آینه کاری آن شدی اتمام هزار و سیصد و پنجاه دو زهجرت بود	که هست عزّت باغ جنان عرش برین مطاف قبله ارباب صدق اهل یقین بگیسوان زرافشان خویش حور العین که بنگری ولی خدمت ستاده روح الامین حریم سید والامقام ناصر دین سلیل حیدر زهرا و زاده یاسین که در معالم و تقواست بی نظیر قرین که آستان رفیقش بود چو حصن حصین که از ضریح چنین یافت عزّت تمکین که یافت این حرم محترم چنین تزیین
--	--

در شام غریبان خوانده می شود

دسته دوم می خواند	دسته اول می خواند
<p>طفل یتیمی ز حسین گمشده ساربان ساربان قامت زینب زالم خم شده ساربان ساربان شام غریبان است زهرا پریشانست حسین</p>	<p>شام غریبان حسین امشب است امشب است اول رنج و الم زینب است زینب است شام غریبانست زهرا پریشانست حسین</p>
<p>باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است بی نفع صور خواسته تا عرش اعظم است کار جهان و خلق جهان جمله درهم است کاشوب در تمامی ذرات عالم است</p>	<p>بازاین چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین این صبح تیره بازدمید از کجا کزو گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب</p>
<p>در خاک خون طپیده بمیدان کربلا خون می گذشت از سر ایوان کربلا</p>	<p>کشتی شکست خورده طوفان کربلا گر چشم روزگار برو زار می گریست</p>
<p>قسم بر این کتاب پروردگار چونکه من حسینم ماه عالمینم وقت شهادتم رسیده</p>	<p>قسم بذات اقدس کردگار کشته شدم که دین شود استوار قامت سرو دین خمیده</p>
<p>معاون حکمت سرو اللهم سید جنانم یاد عاشقانم وقت شهادتم رسیده</p>	<p>عارف بالله امین اللهم وارث انبیاء و ثار اللهم قامت سرو دین خمیده</p>

در مورد زمین لرزه در روز هشتم خرداد ماه ۱۳۸۳ بگفته رادیو و طبق نوشته ۹ خرداد روزنامه همشهری زمین لرزه ۵/۷ ریشتر اعلام شده است مرکز آن قریه بَلَدَه مازندران و در ده استان کشور و خصوصا ریزش کوه بر روی ماشین ها در جاده چالوس و از بین رفتن چند ماشین و چندین نفر اعلام شده است منابع خارجی شدت زمین لرزه را ۶/۲ ریشتر اعلام کرده است (اینجانب مظفری سروده‌ام).

<p>زمین لرزه هشت خرداد گوی که فوق آبشار همچو و پائین رود یکی استراحت یکی بود و کار بر آمد صدائی که غرّش کنان ز ترس فتادن زمین بود و دست بسوی خداوند راز و نیاز بماسهل بنمود و آن کار را بلرزید آن لحظه بالا و پست تکان داده آن بَلَدَه را چنان نبردست جان از خطر ها کسی که مردم همینطور زار آمده آلموت و قزوین و چند شهر را فرستاد بر سوی مازندران کز آنجا کسی هیچ نامبرده سود</p>	<p>به بحر تقارت تقرّب بجوی همه داخل پارک بنشسته بود بدان ساعت پنج بعد از نهار بلرزه در آمد زمین آنزمان که گوئی زمین مثل گهواره است ستادیم آنوقت ما بر نماز که رادیو شروع کرد اخبار را بگفتا زمین لرزه شش ریشتر است ورا مرکزش بوده مازندران بدان رفته از بین مردم بسی خرابی بدان خیلی بار آمده بلرزانده چالوس و نوشهر را هلال احمر آنوقت چندی جوان خطرناکتر جاده چالوس بود</p>
---	--

<p>که چندی ماشین مانده در زیر آن همه سود تبدیل گشته ضرر اخیراً که چندیست نادیده کس دوان بود آنها سوی مادران خدا رحم بنما به ایران زمین</p>	<p>بدان کوه ریزش نموده چنان چونا بود گشتست چندین نفر به تهران چنین زلزله بود و بس که اطفال از ترس بودی چنان دعای (مظفر) بود اینچنین</p>
--	---

<p>که جهان غمکده ای در نظر درویش است ما بقی را بسرودم که پس و یا پیش است که در این صومعه هر کس که بود دلریش است گر بماند تو بدان آنکه کمی یا بیش است آن رئیس عرب و هم عجم و هم جیش است (ای مظفر) تو بگو مذهب و همچون کیش است</p>	<p>به جهانی ندهم عالم درویشی را روی دیوار بدیدم که نوشتست کسی آه از این کو تهی عمر شوی مست و خراب زیر این گنبد دوار نماند اثری من خودم عاشق مولای علی می باشم فرق اسلام و وکفر این بود ای دیده دل</p>
<p>همواره غمین هستم خوشحال نخواهم شد دیگر که زمی خوردن خمار نخواهم شد کز آن سخن شیرین سیراب نخواهم شد دستم برسد گر من بیمار نخواهم شد غیر از تو کسی را من دلدار نخواهم شد دادی تو اگر خوابم بیدار نخواهم شد</p>	<p>من مست می عشقم هوشیار نخواهم شد بر خاک سیه روزم در میکده بنشانندی ای سرو سُهی قامت افتاده منم دامت آن ابروی مشکینت بر زلف سیه چینت ای خوشگل زیبا رو ای ماه کمان ابرو یارب بنما رحمی از جنّت تو سهمی</p>

در تاریخ ۱۳۸۵/۶/۱۲ رفتیم به زیارت امامزاده یحیی و اشعاریکه دور ضریحش حک شده بود
یادداشت نمودم.

فروغی از رخ زهراست اینجا	گلی از گلشن طاهاست اینجا
یکی موج از چنان دریاست اینجا	علی دریای ناپایان علم است
ز صبر مجتبی ایماست اینجا	در اینجا راز جانسوزی نهان است
نشان از تربت اعلی است اینجا	بود نسل حسین این مرقد پاک
بری از شاخه طوبی است اینجا	یکی از بهترین اولاد سجّاد
که عزّ الدین عزیز ماست اینجا	شهیدی سر جدا از پیکر است این
که قبر حضرت یحیی است اینجا	سلام جاودان بر این مزار است
کزین شهزاده روح افزاست اینجا	کنار اوست فرزندش محمّد
از آن آباد پابرجاست اینجا	بنای عشق ویرانی ندارد
بروی مردم دنیا است اینجا	دری بگشوده از رحمت حسانا

امامزاده یحیی که نزدیک سرچشمه و بازار تهران است آنجا کهنسالترین درخت چنار تهران
وجود دارد، عمر درخت در سال ۱۳۸۰ (۷۸۰) سال بوده است.

بنام خدا

هر کس را طلسم کرده باشند اول برود حمام غسل کند بعد از نصف شب ساعت ۲ بعد از نیمه شب ببعدها

شب اول جمعه ۱۰۰ مرتبه بگوید اللهم صل علی النبی

شب دوم ۱۰۰ مرتبه بگوید اللهم صل علی مرتضی

شب سوم ۱۰۰ مرتبه بگوید اللهم صل علی فاطمه الزهرا

شب چهارم ۱۰۰ مرتبه بگوید اللهم صل علی امام حسن

به ترتیب هر شب برای یک امام و شب جمعه سوم یعنی شب پانزدهم اللهم صل علی حضرت عباس

دعایش برآورده می شود انشاء الله

هر کسی گرفتاری داشته باشد بخواند اللهم صل علی فاطمه و آبیها و بعلها و نبیها و السرّ مستودع فیها. ان

تصلی علی محمد معبودا ما احاط به عملک ۵۶۰ مرتبه

سپاه آینه تا این دیار آمدنی است گل سپیده دوباره به بار آمدنی است صدای بارش باران بهار آمدنی است خدای را که گل انتظار آمدنی است ز آسمان خدا نور و نار آمدنی است. این ابیات را در بیمارستان رسول اکرم در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۱ یادداشت نمودم.	خبر دهید به یاران که یار آمدنی است در این شبان زمستانی و کویر عبوس در این هوای گران جان وخسته و زخمی بگوش باغچه با یاس لاله می گوید به آیه های زمینی شعر بی تا بم
---	---

در تاریخ سوم جمادی الثانی روز شهادت حضرت فاطمه (س) مطابق با ۸۳/۴/۳۱ شمسی در مورد شهادت حضرت فاطمه (س) سروده‌ام.

<p>باشد سلام ما به پیمبر که سرور است کوه اُحد پُر از قشون قوم کافر است آن شیر بیشه حمزه که عمّ پیمبر است با ضرب سنگ بصورت و همچون که بر سر است فاتح به مَرَحَب است و همچون به خیر است میرفت (سوی دشمن) و گوئی تکاور است ویرا نجات داد بدان آن هنرور است لیکن ندادهمیت وی چون که حیدر است سیلی خورد چرا که به زهرا مطهر است هم موسی و عیسی و مریم مخدر است ذرّه قبول کرده چو در «عالم ذر» است جبریل چیدو داد به احمد که رهبر است نیمی ز سهم خویش و سهمی به همسر است نوری بتافت سوی خدا آن مُنور است زهرا وجود آمد همچون که گوهر است زهرا عزیز باشد و نامش مطهر است لعن خدا به قُنْفُذو همچون به دیگر است در خانه سوخت بال که چندین کبوتر است جبریل را بدانکه در آن سوخت شهپر است دانست آن لعین کسی پشت آن در است زهرا نمود ناله که داغش به محشر است گوهر بیک طرف صدش طرف دیگر است</p>	<p>اول بنام خالق یکتا و اکبر است آمد مدینه لشگر سفیان کینه توز صد حیف شد شهید که در غَزوه اُحد زخمی شد آن پیمبر و دندان وی شکست ناگه علی که شیر خداوند کردگار یک دفعه زد نهیب به مرکب علی چنان وقتی رسید و دید پیمبر فتاده است چند زخم خورد بر بدن نازنین او اما چنین شجاعت و هم با صلابتش قبل از وجود آدم و حوا در آسمان مشغول طاعتی بُده زهرا همیشه خود آن بوده چون بصورت تُفّاح در بهشت آن سیب را که احمد مُرْسَل دو نیم کرد خوردند هر دو سیب خود آرام شد بدن ممزوج گشت آندو که در عرصه وجود (منصوره) هست نام چو در عرش گشته ثبت شل باشد آن کسبکه به زهرا گشاده دست آتش زدند درب علی را ز شعله اش خانه که سهل باشد و بلکه در آسمان دشمن فشار داد در نیم سوخته را مسمار پشت درب چنان خورد سینه اش زهرا فتاد روی زمین کرد ناله ای</p>
---	---

<p>در شأنش هَلْ آتَى و خودش (سُور) کَوثر است این ظلم ها به آل علی دان مکرر است کلثوم و زینب هر دو بدائم مکرر است در نامه‌ای نوشته به هر کس مقرر است باشد جحیم خَصَم تو جایش که ابتر است آن نور لایزال علی را مُصَوِّر است دائم (مظفری) نظرش سوی آن در است</p>	<p>دُخت پیمبر است و هم زوجه علی ملعون گرفت و بست علی را به ریسمان کردند شیوه هم حسن و هم حسین او ای بانوی شفیعه محشر به روز حشر جای تو در بهشت بُود دختر رسول بهر امید آمده‌ام آستان تو مولا علی است شافع محشر امید من</p>
---	--

<p>حمد و سپاس خالق یکتا خدایرا آری زکوه چشمه وآب آورد برون فرمان ز خالق است هماره که بر سحاب گلهای (رنگ به رنگ) برآرد دم بهار ای خالق زمین و زمان حیّ لا یموت کیخسروان نهاده سرش را بر آستان ای منبع سخاوت وجود و کرم بدان کون و مکان و خلق جهان را تو صاحبی چندین هزار آمده پیغمبر رُسل نتوان نمود وصف علی لایق است و بس زور آزمای قلعه خبیر که چون رسید مرحب لباس رزم خودش را به تن نمود شیر خدا که از ته دل همچو نعره زد از هیبت و شجاعت و از صولت علی دشمن که فکر کرد کز آنجا کند فرار حیدر نمود حمله که با ذوالفقار خویش مرحب بضر تیغ علی کشته شد فلک یا رب مرا به بخش تو بر حرمت علی گر لطف تو که شامل حال کسی شود من بنده ضعیف و گنه کار تو کریم یارب همیشه چشم امید مظفّری</p>	<p>در اختیارش هست همه کلّ ماسوا باری ز آب چشمه برآرد گل گیا باران کزو بریزد و همچون کند سخا قوّت و غذا تهیّه شود تا برای ما روزی بدست تست و کلام تو دلربا پیش تو در رکوع تضرّع شه و گدا بر فضل تو همیشه نیازیم ز ابتدا مخلوق همه ضعیف که محتاج هست ترا اول بنام آدم و خاتم به مصطفی آنگونه ای به سجده بیفتد که بی ریا آن درب را شکست به بازوی لافتی تعریف کرد او لقبش را به مرتضی قلعه به لرزه آمد وهم ارض و هم سما لرزه فتاد بر تن دشمن که در خفا مهلت نبود تا شود از دست وی رها زد بر سرش دو نیم شد آن فرق بی حیا گفتا بر این شجاعت حیدر که مرحبا الطاف تو کثیر و به دل می دهد رجّا بر جان قوّت است به دل می دهد صفا حاجت همیشه پیش کریمان بود روا بر سوی درگهت که تو بخشی مرا خطا</p>
--	--

در مورد وصف خداوند یکتا و به معراج رفتن رسول اکرم (ص) سروده‌ام.

<p>ای خالق زمین زمان حیّ کردگار مَفْعُولِ فاعلات و مَفَاعِلِ فاعلات هفت آسمان کون مکان را تو صاحبی همچون ربیع و صیف و خریف و شتاء را چون برف در شتاء کند قُلّه را سپید تو میوه های (رنگ به رنگ) آفریده ای آشجار هم نبات و چمن هست سبز رنگ گل‌های مختلف همه ألوان سینه چاک باشی خدای واحد سلطان مقتدر گردنکشان روی زمین در مقابلت جاه و جلال و هم جبروت منزّه است بخشنده و رحیم که در حق بندگان آن وقت می شود که اِذَالشَّمْسِ كُورَتِ حوری چو در بهشت بُود مؤمنان را یا رب به سوی درگه تو آورم پناه با اذن حق برفت به معراج آن رسول پیغمبر آن زمان چو به نزدیک حق رسید وقتی بدید دست بیامد بسوی او دائم وصیّ احمد مُرسلِ علی بُود در وقت رزم دان که علی می کند هجوم یا رب بحقّ حرمت پیغمبر رسول باشد (مظفّری) چو بدرگه نیازمند</p>	<p>از قدرت تو چرخ فلک می شود مَهَار زین و زن قافیه که مرآن میبرد بکار هم کوه و دشت گل که بُود در کنار خار پُشت سرِ هم آوری و مثل طوق وار باران که از سَحَاب برآید دم بهار یا قوت هم به مثل بُود دانه آنار بلبل به و جد آمده خواند به مرغزار در حیرتم که لاله بُود سینه داغدار وصفت چو بیحد است مرا نئی توان شمار همچون غلام باشد و گوشش به گوشوار باشد زبان قاصر و لیکن امیدوار عالم چو بر نهان توئی هم به آشکار هنگام آن بود و اِذَا سُجِرَتِ بحار ابلیس در حجیم بسوزد همی به نار ما را خودت به سوی صف مؤمنان بیار آن راه کرد طیّ و بُراقش همی سوار قوسین را بُود دو کمان فاصله به جار الحام شد که دست علی هست در کنار دستی به دست احمد و دستی به ذوالفقار از صولتش همیشه عدو می کند فرار بر مسلمین روی زمین را شوی تو یار از فضل رحمت تو همیشه به من بیار</p>
--	---

این اشعار را در روز جمعه ۸۳/۵/۲۳ روز بمباران نجف اشرف در عراق توسط آمریکائیا که بوش رئیس جمهور بود انجام گردیده و همان روز در تهران همه راهپیمائی نمودند. اینجانب مظفری سروده‌ام.

یا رب چرا همیشه که دلها مکدر است
رسم آن بود بدانکه ز از خلقت بشر
صدام شد بهانه بر آن بوش لعنتی
با توپ و تانک و کشتی جنگی وبالگرد
آن لعنتی کز اول حمله که نفت را
دائم هجوم برده به چند شهر در عراق
هم کاظمین و سامره و کربلا چنین
مثل یزید حمله نموده به مسلمین
آن گنبد رفیع علی در نجف بدان
آن حیدر است و شیر خداوند کردگار
از صولت ونهیب وی اندر به کوه قاف
سیراب می‌کند که همه مؤمنان را
آن جلوه جمال علی را چو بنگری
بوش دغل به تیغ خدا می‌سپارمت
دارم امید ز آه یتیمان که در عراق
نطق و زبان لال و هم گور و گر شوی
تو جمع کن قوای خودت را لعین کین
راحت شود ز دست تو عالم همین و بس
آنقدر خون بی گنهان ریخته بر زمین
خواهیم خواست ما ز خداوند اینچنین
قسمت نما دوباره خدایا نصیب من
دائم (مظفری) چو ثناگوی کبریاست

دلها غمین هست چو سودا و در سر است
ظلم و ستم همیشه به مظلوم مضطر است
باعث شده به خون همه اهل کیفر است
شد حمله ور بخاک عراق آن ستمگر است
چون می‌خورد بدانکه ز از خوک بدتر است.
کوفه نجف و بصره و بغداد در بر است
آتش زده بخانه مردم که ابتر است
بدتر ز شمر همچو که دائم مخمر است
زیرا که آن به گنبد مینا برابر است
شیر خداست همچو که فاتح به خیر است
سیمرغ هم ز ترس بریزد که شهپر است
در روز حشر وی که چو ساقی به کوثر است
نورش زمه زیاده و نوری ز اختر است
هم ذوالفقار حیدر کرار صفاست
آه یتیم ز آتش سوزان فزونتر است
لعنت به تو بدان همه از تو مکدر است
گر تو روی به مملکت خویش بهتر است
جای تو در جحیم و هم نار احمر است
خجالت بکش لعین نجف جای حیدر است
شمشیر حیدری همه بر فرق کافر است
بوسم ضریح حضرتش همچون منور است
از لطف حق به شعر سرودن مظفر است

بسمه تعالی: اینجانب مظفری با همسر روز سه شنبه ۱۳۸۲/۲/۳۰ برای رفتن به مکه به سوی کشور عربستان با هواپیما پرواز و در ساعت ۲ بعد از ظهر به فرودگاه جدّه رسیدیم و سوار ماشین شدیم (در هتل ساسکو) وسط راه جدّه و مدینه نهار خوردیم شب رسیدیم به مدینه و بعد از ۱۵ روز از عربستان به تهران مراجعت کردیم.

<p>آنکه رحمن الرحيم است همچنان بخشنده وی خیز از (بحر رَمَل) برخوان تو ای فرخنده پی تا رویم بهر زیارت چون به (میم. کاف. ه) مکه بعد سه ساعت رسیدیم ما به (جیم. دال. ه) جدّه اسم او بودش بدان چون (حاو. نون. یا. و. ف) حنیف ما رسیدیم و به ساسکو (نون. هاو. الف. ر) نهار شب رسیدیم ما (میم. دال. یا. و. نون. ه) مدینه تا رویم بر مسجد هم پابوس (نون. باو. ی) نبی میدرخشید و تو گوئی (با. و. هاو. شین. ت) بهشت من شوم قربان بنامت (با. و. الف. قاف. ر) باقر ششمین باشد که صادق نور چشمانست وی جان فدا باشد به حمزه هم به همزمان وی بالاخص در جنگ نامش بود (فا. و. تا. و. ح) فتح بعد از مُحرم که رفتیم شب به (میم. کاف. ه) مکه چون بهشت عدن باشد (کاف. عین. با. و. ه) کعبه همچنان سعی صفا و مروه هم چون گشت طی بعد از آن رفتیم به مشعر همچو (میم. نون. ی) منی نام هتل در مدینه بود (هتل طَیِّبه) جمله برگردیم ما بر (خا. و. الف. نون. ه) خانه بعد از آن رفتیم دان بهر زیارت شهر ری کس نگفته مثل شعر (میم. ظا. و. فا. و. ر) مظفر</p>		<p>من زبسم الله کمک گیرم که آن هست نام وی فاعلاتٌ فاعلاتٌ فاعلاتٌ فاعلاتٌ فاعلاتٌ عزم کردیم ما هزار و سیصد و هشتاد دو با هواپیما بروز سی ام اردیبهشت چون رئیس کاروان هم بود خود پهلوی ما با اتوبوسها چو بنمودیم ما طی طریق چون ماشینها راه افتاد و که ما هم توی آن جمع گشتیم بعد شام ما جملگی با کاروان وارد مسجد شدیم و گوئیا خُلد بَرین ما چو بنمودیم زیارت بعد از آن رفتیم بقیع چون حسن باشد امام و هم علی ابن الحسین روز بعدش هم بدان رفتیم بر کوه أُحُد مسجد زهرا علی سلمان قُبَا ذوقبلتین بعد یکهفته شدیم ما عازم آن بیت حق بود شب آنجا که روشن مثل شمس و الضحی بعد شش دور طواف و دور هفتم شد تمام عرفات هم باشد آنجا چونکه یک دشت وسیع همچو در مکه هتل (اشپیلیا) بود جایمان چونکه اتمام سفر شد کاروان اعلام کرد پانزده خرداد همچون وارد تهران شدیم شاعران بسیار گفته شعرهای مختلف</p>
--	--	--

فرازهائی از زندگانی امام صادق (ع)

امام صادق (ع) گوهری تابناک

مشخصات امام صادق (ع)

نام: جعفر بن محمد

کنیه: «ابوعبدالله»، «ابواسماعیل» و «ابوموسی»

القاب: صادق، فاضل، صابر، طاهر، قائم، کافل و منجی.

مشهورترین لقب آن حضرت «صادق» است این لقب به خاطر صادق گفتار آن حضرت و تمایز از «جعفر کذاب» که در عصر امام زمان (ع) ادعای امامت کرد. به آن حضرت داده شد. منصب: معصوم هشتم و امام ششم شیعیان.

تاریخ ولادت: هفدهم ربیع الاول سال ۸۰ هجری.

برخی مورخان، تاریخ تولد ایشان را اول رجب سال ۸۰ و برخی دیگر سال ۸۳ هجری دانسته اند؛ اما قول اول مشهور است و این روز مطابق است با روز ولادت پیامبر اکرم (ص). محل تولد: مدینه منوره مدت امامت: از زمان شهادت امام محمد باقر (ع) در هفتم ذیحجه سال ۱۱۴ تا ۲۵ شوال سال ۱۴۸ هجری، به مدت ۳۴ سال. تاریخ و سبب شهادت: ۲۵ شوال سال ۱۴۸ هجری، در سن ۶۵ سالگی، به وسیله منصور دوانیقی مسموم شد. محل دفن: قبرستان بقیع، در مدینه منوره، در جوار قبر پدر و جدش و امام حسن مجتبی (ع).

«مقام و منزلت مادر امام صادق (ع)»

مادر بزرگوار امام صادق (ع) بانویی ارجمند، به نام «فاطمه» مشهور به «ام فروه» است. ام فروه دختر «قاسم بن محمد ابن ابی بکر» است. در شأن و مقام او همین قدر کافی است که امام صادق (ع) فرمود: «وَكَانَتْ أُمِّي مِمَّنْ آمَنَتْ وَاتَّقَتْ وَ أَحْسَنَتْ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ مادر من بانویی با ایمان، با تقوا و نیکوکار بود و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.» سپس افزود: مادرم نقل کرد که پدرم (امام باقر (ع)) به او فرمود: «ای ام فروه! من در هر شبانه روز هزار بار از درگاه خدا برای شیعیانم طلب آمرزش می کنم، زیرا ما با آگاهی و یقین بر اینکه مصائبی که بر ما وارد می شود، خدا آن را مشاهده می کند، صبر می کنیم، ولی شیعیان ما با اینکه چنین علم و یقینی ندارد، صبر می کنند.»^۲ محدث خیر «مسعودی» در «مروج الذهب» روایت می کند که: ام فروه از همه بانوان عصرش با تقواتر بوده است. او علاوه بر تقوا، به قدری دارای مقام ارجمند بوده که پسرش امام صادق (ع) را با عنوان «ابن المکرّمه؛ پسر مادر ارجمند» یاد می کردند. در یکی از روزها که «ام فروه» در کنار کعبه به طواف خانه خدا، مشغول بود، کنار حجرالاسود آمد و با دست چپ آن را مسح کرد یکی از حاضران (که ظاهراً اهل تسنن بود) به او گفت: «ای کنیز خدا، در انجام چگونگی سنّت خطا کردی.» (از این رو که با دست چپ، حجرالاسود را مسح نمود) ام فروه به او چنین پاسخ داد: «أَنَا لَأَغْنِيَاءُ مِنْ عِلْمِكَ؛ ما از علم تو بی نیاز هستیم.» عالم خیر؛ محدث قمی، پس از نقل این عبارت می گوید: «ظاهراً اعتراض کننده از فقهای اهل تسنن بود، چگونه ام فروه از علم و فقه آنها بی نیاز نباشد، با اینکه شوهرش امام باقر (ع) و پدر شوهرش امام سجاد (ع)، و فرزندش امام صادق (ع) چشمه جوشان علم و معدن حکمت بودند، و پدر خودش (قاسم) از فقهای بزرگ و مورد اطمینان از شاگردان امام سجاد (ع) بوده است.»

^۲ - اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۴۷۲.

«امام صادق (ع) و شباهت به پدرش امام باقر (ع)»

«سید صیرفی» یکی از شاگردان امام باقر (ع) می گوید در محضر امام باقر (ع) بودم، فرمود: «یکی از سعادت های انسان آن است که فرزندی داشته باشد، و آن فرزند از نظر ظاهر و باطن و جمال و کمال، شبیه پدر بوده و چهره ظاهر و باطن پدر در وجود آن پسر مشاهده گردد و من شباهت از نظر خلقت، اخلاق و شمایل خودم را از این پسر امام صادق (ع) می شناسم و درک می کنم.»

«فقیه دانشمند»

قالَ (ع): مَنْ حَفِظَ مِنْ شِيعَتِنَا أَرْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمًا فَقِيهًا وَلَمْ يُعَذِّبْهُ.^۳ هر کس از شیعیان ما چهل حدیث را حفظ کند - و به آن ها عمل نماید. خداوند او را دانشمندی فقیه در قیامت محشور می گرداند و عذاب نمی شود.

«رسیدگی به مؤمنین»

قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حَجَّةٍ مُتَقَلَّبَةٍ بِمَنَاسِكِهَا، وَعِتْقُ أَلْفِ رَقَبَةٍ لَوْجَهَ اللَّهِ وَ حِمْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسَرَجِهَا وَ لَحْمِهَا.^۴

فرمود: بر آوردن حوائج و نیازمندی های مؤمن از هزار حج مقبول و آزادی هزار بنده و فرستادن هزار اسب مجهز در راه خدا، بالاتر و والاتر است.

«اهمیت نماز»

قالَ (عليه السلام): أَوْلُ مَا يَحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ سَائِرُ عَمَلِهِ، وَ إِذَا رُدَّتْ، رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ.^۵

^۳ - أُمَالِي الصَّدُوقِ، ص ۲۵۳.

^۴ - أُمَالِي الصَّدُوقِ، ص ۱۹۷.

^۵ - وَسَائِلُ الشِّيْعَةِ، ج ۴، ص ۳۴ ح ۴۴۴۲

فرمود: اولین محاسبه انسان در پیشگاه خداوند پیرامون نمازاست، پس اگر نمازش قبول شود بقیه عبادات و اعمالش نیز پذیرفته می گردد وگرنه مردود خواهد شد.

«عذاب های دنیا»

قال (عليه السلام): إِذَا فَشَتْ أَرْبَعَةٌ ظَهَرَتْ أَرْبَعَةٌ: إِذَا فَشَا الزُّنَا كَثُرَتِ الزَّلَازِلُ، وَإِذَا أُمْسِكَتِ الزَّكَاةُ هَلَكَتِ الْمَاشِيَّةُ، وَإِذَا جَارَ الْحُكَّامُ فِي الْقَضَاءِ أُمْسِكَ الْمَطَرُ مِنَ السَّمَاءِ وَإِذَا ظَفَرَتِ الذِّمَّةُ نَصَرَ الْمُشْرِكُونَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ.^٦

فرمود: هنگامی که چهار چیز در جامعه شایع و رایج گردد چهارنوع بلا و گرفتاری پدید آید:

- چنانچه زنا رایج گردد زلزله - و مرگ ناگهانی - فراوان شود.
- چنانچه زکات و خمس اموال پرداخت نشود، حیوانات نابود شود.
- اگر حاکمان جامعه و قضات ستم و بی عدالتی نمایند، باران - رحمت خداوند - نمی بارد.
- اگر اهل ذمه تقویت شوند مشرکین بر مسلمین پیروز آیند.

«کیفر تهمت به مومنین»

قال (عليه السلام): مَنْ عَابَ أَخَاهُ بَعِيْبَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ.^٧

^٦ - وسائل الشیعه، ج ٨ ص ١٣.

^٧ - اختصاص، ص ٢٤٠، بحار الانوار، ج ٧٥، ص ٢٦٠ ح ٥٨

فرمود: هر کس برادر ایمانی خود را بر چسبی بزند و او را متهم کند، از اهل آتش خواهد بود.

«سکوت گنج بی پایان»

قال (عليه السلام): الصَّمْتُ كَنْزٌ وَافِرٌ، وَزَيْنُ الْحِلْمِ، سِتْرُ الْجَاهِلِ.^۸

فرمود: سکوت همانند گنجی پر بهاء، زینت بخش حلم و بردباری است؛ و نیز سکوت، سرپوشی بر آبروی شخص نادان و جاهل می باشد.

«دوست خوب»

قال (ع): اصْحَابُ مَنْ تَتَزَيْنُ بِهِ، وَلَا تَصْحَابُ مَنْ يَتَزَيْنُ لَكَ.^۹

فرمود: با کسی دوستی و رفت و آمد کن که موجب عزت و سربلندی تو باشد، و با کسی که می خواهد از تو بهره برد و خودنمایی می کند همدم مباش.

«کمال مؤمن»

قال (عليه السلام): كَمَالُ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ: الْفِقْهُ فِي دِينِهِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ، وَالتَّقْدِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ.^{۱۰}

فرمود: شخصیت و کمال مؤمن در سه خصلت است: آشنا بودن به مسائل و احکام دین، صبر در مقابل شدايد و ناملايمات، زندگي او همراه با حساب و کتاب و برنامه ريزی دقيق باشد.

^۸ - مستدرک الوسائل، ج ۹ ص ۱۶ ح ۴.

^۹ - وسائل الشیعه، ج ۱۱ ص ۴۱۲.

^{۱۰} - أمالی طوسی، ج ۲ ص ۲۷۹.

«توجه به مساجد»

قال (عليه السلام): عَلَيْكُمْ بِإِيَّانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، وَ مَنْ أَتَاهَا مُتَطَهَّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ، وَ كُتِبَ مِنْ رُؤَايِهِ.^{۱۱}

فرمود: بر شما باشد به دخول در مساجد، چون که آنها خانه خداوند بر روی زمین هستند؛ و هر کسی که با طهارت وارد آن شود. خداوند متعال او را از گناهان تطهیر می نماید و در زمره زیارت کنندگان محسوب می شوند.

«دعا بعد از نماز صبح»

قال (ع): مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» يَعْبُدُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ، أَهْوَنُهَا الْجُدَامُ وَ الْبَرَصُ.^{۱۲}

فرمود: هر کسی بعد از نماز صبح پیش از آن که سخنی مطرح کند، هفت مرتبه بگوید: «بسم الله الرحمن الرحيم، لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم» خداوند متعال هفتاد نوع از بلا از او دور گرداند که ساده ترین آنها مرض پسی و جذام باشد.

«ثواب وضو»

قال (عليه السلام): مَنْ تَوَضَّأَ وَ تَمَنَّدَلَ كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ وَ مَنْ تَوَضَّأَ وَ لَمْ يَتَمَنَّدَلَ حَتَّى يَجْفَأَ وَضُوئُهُ كُتِبَ لَهُ ثَلَاثُونَ حَسَنَةً.^{۱۳}

^{۱۱}- وسائل الشیعه، ج ۱ ص ۳۸۰ ح ۲.

^{۱۲}- امالی طوسی، ج ۲ ص ۳۴۳.

^{۱۳}- وسائل الشیعه ج ۱، ص ۴۷۴، ح ۵.

فرمود: هر کس وضو بگیرد و با حوله خشک نماید یک حسنه دارد و چنانچه خشک نکند سی حسنه خواهد داشت.

«افطار با دوستان»

قال (عليه السلام): لا فطارك في منزل أخيك أفضل من صيامك سبعين ضعفاً.^{۱۴}

فرمود: اگر افطاری روزه ات را در منزل برادر مؤمنت، انجام بدهی ثوابش هفتاد برابر اصل روزه است.

«افطار با آب داغ»

قال (عليه اسلام): إذا فطر الرجل على الماء الفاتر نقي كبده، وغسل الذنوب من القلب وقوى البصر والحدق.^{۱۵}

فرمود: چنانچه انسان روزه خود را با آب جوش افطار نماید کبدش پاک و سالم باقی می ماند. و قلبش از کدورت ها تمیز و نور چشمش قوی و روشن می گردد.

«قرائت قرآن»

قال (عليه السلام): من قرء القرآن في المصحف متع ببصره، و خفف على والديه وإن كانا كافرين.^{۱۶}

فرمود: هر که قرآن شریف را از روی آن قرائت نماید بر روشنائی چشمش افزوده گردد و نیز گناهان پدر و مادرش سبک شود گرچه کافر باشند.

^{۱۴} - من لا بحضره الفقيه، ج ۲ ص ۵۱ ح ۱۳.

^{۱۵} - وسائل الشيعه، ج ۱۰ ص ۱۵۷ ح ۳.

^{۱۶} - وسائل الشيعه، ج ۶ ص ۲۰۴ ح ۱.

«قرائت سوره توحيد»

قال (عليه السلام): مَنْ قَرَأَ (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) مَرَّةً وَاحِدَةً فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ وَ ثُلُثَ التَّوْرَةِ وَ ثُلُثَ الْإِنْجِيلِ وَ ثُلُثَ الزَّبُورِ^{١٧}

فرمود: هر که یک مرتبه سوره توحيد را تلاوت نمايد، همانند کسی است که یک سوم قرآن و تورات و انجيل و زبور را خوانده باشد.

«شستن ميوه ها»

قال (عليه السلام): إِنَّ لِكُلِّ ثَمَرَةٍ سَمًّا، فَإِذَا أُتِيَتْ بِهَا فَأَمْسُوها بِالماءِ، وَأَغْمِسُوها فِي المَاءِ.^{١٨}

فرمود: هر نوع ميوه و ثمره ای، مسموم و آغشته به آلودگی ها است، هر گاه خواستيد از آنها استفاده كنيد، با آب بشوئيد.

«غذای شفا بخش»

قال (عليه السلام): عَلَكُم بِالشَّلْجَمِ، فَكُلُّوهُ وَأَدِيمُوا أَكَلَهُ، وَكُتْمُوهُ إِلَّا عَن أَهْلِهِ فَمَا مِن أَحَدٍ إِلَّا وَبِهِ عِرْقٌ مِّنَ الْجَذَامِ، فَأَذِيبُوهُ بِأَكَلِهِ.^{١٩}

فرمود شلغم را اهميت بدهيد و مرتب آن را ميل نمايد و آن را به مخالفين معرفي نکنيد، شلغم رگ جذام را قطع و نابود می سازد.

^{١٧}- وسائل الشيعه، ج ٦ ص ٢٢٥ ح ١٠.

^{١٨}- وسائل الشيعه، ج ٢٥ ص ١٤٧ ح ٢.

^{١٩}- وسائل الشيعه، ج ٢٥ ص ٢٠٨ ح ٤.

«اوقات استجاب دعا»

قال (عليه السلام): يَسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ: فِي الْوَتْرِ، وَبَعْدَ الْفَجْرِ، وَبَعْدَ الظُّهْرِ وَبَعْدَ الْمَغْرَبِ.^{٢٠}

فرمود: در چهار وقت دعا مستجاب خواهد شد: هنگام نماز وتر، بعد از نماز صبح، بعد از نماز ظهر، بعد از نماز مغرب.

«دعا برای رفتگان»

قال (عليه السلام): مَنْ دَعَا لِعَشْرَةٍ مِنْ إِخْوَانِهِ الْمَوْتَى لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ^{٢١}

فرمود: هر کس که در شب جمعه برای ده نفر از دوستان مؤمن خود که از دنیا رفته اند دعا و طلب مغفرت نماید، از اهل بهشت قرار خواهد گرفت.

«شانه کردن موها»

قال (عليه السلام): مِشَطُ الرَّأْسِ يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ، وَ مِشَطُ الْحَيَةِ يَشَدُّ الْأَضْرَاسَ.^{٢٢}

فرمود: شانه کردن موی سر موجب نابودی وبا- و مانع ریزش مو- می گردد. و شانه کردن ریش و محاسن ریشه دندان ها را محکم می نماید.

«کمک به مؤمنین»

قال (عليه السلام): أَيُّمَا مُؤْمِنٍ سَأَلَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ حَاجَةً وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى قَضَائِهَا فَرَدَّهُ عَنْهَا، سَأَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شُجَاعاً فِي قَبْرِهِ، يَنْهَشُ مِنْ أَصَابِعِهِ.^{٢٣}

^{٢٠}- جامع احادیث الشیعه، ج ٥ ص ٣٥٨ ح ١٢.

^{٢١}- جامع احادیث الشیعه، ج ٦ ص ١٧٨ ح ٧٨.

^{٢٢}- وسائل الشیعه، ج ٢ ص ١٢٤ ح ١.

^{٢٣}- أمالی طوسی، ج ٢، ص ٢٧٨، س ٩.

فرمود: چنانچه مؤمنی از برادر ایمانش حاجتی را طلب کند و او بتواند خواسته اش را برآورد و انجام ندهد، خداوند در قبرش یک افعی براو مسلط گرداند که هر لحظه او را آزار رساند.

«فرزند صالح»

قال (عليه السلام): وَوَلَدٌ وَاحِدٌ يَقْدِمُهُ الرَّجُلُ، أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ يَبْقُونَ بَعْدَهُ شَاكِينَ فِي السَّلَاحِ مَعَ الْقَائِمِ (عج) ^{۲۴}

فرمود: اگر انسانی یکی از فرزندانش را پیش از خود- به عالم آخرت- بفرستد بهتر از آن است که چندین فرزند به جای گذارد و در رکاب امام زمان (علیه السلام) با دشمن مبارزه کنند.

«اطمینان به برادر مؤمن»

قال (عليه السلام): إِذَا بَلَغَكَ عَنْ أَخِيكَ شَيْءٌ فَقَالَ لَمْ أَقُلْهُ فَأَقْبَلْ مِنْهُ، فَإِنَّ ذَلِكَ تَوْبَةٌ لَهُ وَ قَالَ (عليه السلام): إِذَا بَلَغَكَ عَنْ أَخِيكَ شَيْءٌ وَ شَهِدَ أَرْبَعُونَ أَنَّهُمْ سَمِعُوهُ مِنْهُ فَقَالَ: لَمْ أَقُلْهُ، فَأَقْبَلْ مِنْهُ. ^{۲۵}

فرمود: چنانچه شنیدی به برادرت - یا دوستت - چیزی بر علیه تو گفته است و او تکذیب کرد قبول کن همچنین فرمود: اگر چیزی را از برادرت بر علیه خودت شنیدی و نیز چهل نفر شهادت دادند، ولی او تکذیب کرد و گفت: من نگفته ام، حرف او را بپذیر.

^{۲۴} - وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۶۰، ح ۱۰.

^{۲۵} - مصادق الاخوان، ص ۸۲.

«ایمان کامل»

قال (عليه السلام): لا يكملُ ايمانُ العبدِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ اَرْبَعٌ خِصَالٍ: يَحْسُنُ خُلُقَهُ، وَ سَيَتَخِفُّ نَفْسَهُ، وَ يَمْسِكُ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ، وَ يَخْرِجُ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ.^{٢٦}

فرمود: ایمان انسان کامل نمی گردد مگر آن که چهار خصلت در او باشد: اخلاقش نیکو باشد، نفس خود را سبک شمارد کنترل سخن داشته باشد، اضافی ثروتش حق الله و حق الناس را پردازد.

«شفای بیمار»

قال (عليه السلام): داؤوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ، وَ ادْفَعُوا اَبْوَابَ الْبَلَايَا بِالْاِسْتِغْفَارِ.^{٢٧}

فرمود: مریضان خود را به وسیله پرداخت صدقه مداوا و معالجه نمائید، و بلاها و مشکلات را با استغفار و توبه دفع کنید.

«طلب حاجت در نمازهای واجب»

قال (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فِي أَفْضَلِ السَّاعَاتِ، فَعَلَيْكُمْ بِاللُّدْعَاءِ فِي إِدْبَارِ الصَّلَوَاتِ.^{٢٨}

فرمود: خداوند متعال پنج نماز در بهترین اوقات را بر شما واجب گرداند، پس سعی کنید حوایج و خواسته های خود را پس از هر نماز با خداوند مطرح و درخواست کنید.

^{٢٦} - امالی طوسی، ج ١، ص ١٢٥.

^{٢٧} - مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ١٦٣ ح ١.

^{٢٨} - مستدرک الوسائل، ج ٦، ص ٤٣١ ح ٦.

«اخلاق انبياء»

قال (عليه السلام): أَرْبَعَةٌ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ: الْبِرُّ وَالسَّخَاءُ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ، وَالْقِيَامُ بِحَقِّ الْمُؤْمِنِ.

فرمود: چهار چیز از اخلاق پسندیده پیغمبران الهی است: نیکی، سخاوت، صبر و شکیبائی در مصائب و مشکلات، اجراء حق و عدالت بین مومنین.^{۲۹}

«نشانه های شیعه واقعی»

قال (عليه السلام): إِمْتَحِنُوا شِيعَتَنَا ثَلَاثَ: عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافِظَتُهُمْ عَلَيْهَا، وَعِنْدَ أَسْرَارِهِمْ كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عِنْدَ عَدُوِّنَا وَإِلَى أَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مُوَاسَاةَتُهُمْ لِأَخْوَانِهِمْ فِيهَا.^{۳۰}

فرمود: شیعیان و دوستان ما را در سه مورد آزمایش نمائید:

۱- مواقع نماز، چگونه رعایت آن را می نمایند.

۲- اسرار یکدیگر را چگونه فاش و یا نگهداری می کنند.

۳- نسبت به اموال و ثروتمندان چگونه به دیگران رسیدگی می کنند و حقوق خود را می پردازند.

«ایمنی از آتش جهنم»

قال (عليه السلام): مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ، وَإِذَا رَهَبَ، وَإِذَا اشْتَهَى، وَإِذَا غَضِبَ وَإِذَا رَضِيَ، حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ.^{۳۱}

^{۲۹}- أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۶۷۲، بحارلانوار، ج ۷۸، ص ۲۶۰، ذیل ح ۱۰۸.

^{۳۰}- وسائل الشيعة، ج ۴ ص ۱۱۲.

^{۳۱}- وسائل الشيعة، ج ۱۵ ص ۱۶۲ ح ۵.

فرمود: هر که در چهارموقع، مالک نفس خود باشد، خداوند متعال بر جسم او، آتش را حرام می گرداند. «هنگام رفاه و توسعه زندگی»، «هنگام سختی و تنگ دستی» «هنگام اشتها و آرزو» و «هنگام خشم و غضب».

«گفتگوی روز با انسان»

قال (عليه السلام): إِنَّ النَّهَارَ إِذَا جَاءَ قَالَ: يَا بَنَ آدَمَ، إِعْجَلِ فِي يَوْمِكَ هَذَا خَيْرًا، إِشْهَدُ لَكَ بِهِ رَبِّكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَإِنِّي لَمْ آتِكَ فِيهَا مَضَى وَلَا آتَيْكَ فِيهَا بَقِيَ، فَإِذَا جَاءَ اللَّيْلُ قَالَ مِثْلُ ذَلِكَ.^{۳۲} فرمود: هنگامی که روز فرا رسد گوید: تا می توانی در این روز از کارهای خیر انجام بده که من در قیامت در پیشگاه خداوند شهادت می دهم و بدان که من قبلاً در اختیار تو نبودم و در آینده نیز پیش تو باقی نخواهم ماند. همچنین هنگامی که شب فرا رسد چنین زبان حالی را خواهد داشت.

«صفات هشتمانه مؤمنین»

قال (عليه السلام): يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانِ خِصَالٍ: وَقُورٌ عِنْدَ الْهَزَاهِزِ، صَبُورٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ شَكُورٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ، قَانِعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ، لَا يَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ وَلَا يَتَحَامَلُ لِلْأَصْدِقَاءِ، بَدَنَةٌ مِنْهُ فِي تَعَبٍ، وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ.^{۳۳}

فرمود: سزاوار است که هر شخص مؤمن در بردارنده هشت خصلت باشد: هنگام فتنه ها و آشوب ها باوقار و آرام، هنگام بلاها و آزمایشها بردبار و صبور، هنگام رفاه و آسایش شکرگزار، به آنچه خداوند روزیش گردانده قانع باشد دشمنان و مخالفان را مورد ظلم و اذیت قرار ندهد، بردوستان برنامه ای را تحمیل ننماید، جسمش خسته؛ ولی دیگران از او راحت و از هر جهت در آسایش باشند.

^{۳۲} - وسائل الشیعه، ج ۱۶ ص ۹۳ ح ۲.

^{۳۳} - اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷، ح ۱ ص ۲۳۰، ح ۲، ونزه الناظر حلوانی: ص ۱۲۰، ح ۷۰.

«فضیلت مرگ در روز جمعه»

قال (عليه السلام): مَنْ مَاتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَارِفًا بِحَقِّنَا عُتِقَ مِنَ النَّارِ وَكُتِبَ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ.^{۳۴}

فرمود: هر کس در روز جمعه فوت نماید و از دنیا برود، و عارف به حقّ ما- اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)- باشد، از آتش سوزان دوزخ آزاد می گردد؛ و نیز از عذاب شب اول قبر در امان خواهد بود.

«تأثیر گناه در انسان»

قال (عليه السلام): إِنَّ الرَّجُلَ يَذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ، إِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ إِسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي الْحَمِّ.^{۳۵}

فرمود: چه بسا شخصی به وسیله انجام گناهی از نماز شب محروم گردد، همانا تأثیر گناه در- روان- انسان سریع تر از تأثیر چاقو در گوشت است.

«کوتاه کردن ناخن در روز جمعه»

قال (عليه السلام): تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجُدَامِ وَ الْبَرَصِ وَالْعَمَى وَإِنْ لَمْ تَحْتَجْ فَحَكَهَا حَكَاً وَقَالَ (عليه السلام): أَخَذُ الشَّارِبِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ إِمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ.^{۳۶}

فرمود: کوتاه کردن ناخن ها در روز جمعه موجب سلامتی از جذام و پیسی و ضعف بینائی چشم خواهد شد و اگر امکان کوتاه کردن آن نباشد سر آن ها را بتراش و نیز فرمود: کوتاه کردن سیبیل در هر جمعه سبب ایمنی از مرض جذام می شود.

^{۳۴}- مستدرک الوسائل، ج ۶ ص ۶۶ ح ۲۲.

^{۳۵}- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۲.

^{۳۶}- وسائل الشیعه، ج ۷ ص ۳۶۳ و ۳۵۶.

«تفکر در اعمال»

قَالَ (ع) إِذَا أُوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَانظُرْ مَا سَلَكَتَ فِي بَطْنِكَ، وَمَا كَسَبْتَ فِي يَوْمِكَ، وَ
اذْكُرْ إِنَّكَ مَيِّتٌ، وَإِنَّ لَكَ مَعَادًا.^{۳۷}

فرمود: در آن هنگامی که وارد رختخواب خود می شوی، با خود بیندیش که در آن روز چه نوع خوراکی ها و آشامیدنی ها از چه راهی به دست آورده ای و میل نموده ای و در آن روز چه چیزهایی را چگونه و از چه راهی کسب و تحصیل کرده ای و در هر حال متوجه باش که مرگ تو را می رباید و سپس در صحرای محشر - جهت بررسی گفتار و کردارت - حاضر خواهی شد.

«ائمه اطهار (ع) هدایت کننده همه مخلوقات»

قَالَ (عليه السلام): إِنَّ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِثْنَيْ عَشَرَ إِلفَ عَالَمٍ، كُلُّ عَالَمٍ مِنْهُمْ أَكْبَرُ مِنْ سَبْعِ
سَمَوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرْضِينَ مَا يَرَى عَالَمٌ مِنْهُمْ أَنَّ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَالَمًا غَيْرُهُمْ وَ أَنَا الْحُجَّةُ
عَلَيْهِمْ.^{۳۸}

همانا خداوند، دوازده هزار جهان آفریده که هر یک از آنها نسبت به آسمان ها و زمین های هفت گانه بزرگ تر میباشند، و من - دیگرائمه دوازده گانه از طرف خداوند بر همه آنها حجّت و راهنما هستیم.

«با ارزش ترین نعمت»

قَالَ (عليه السلام): حَدِيثُ فِي حَلَالٍ وَ حَرَامٍ تَأْخُذُهُ مِنْ صَادِقٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا مِنْ
ذَهَبٍ وَ فِضَّةٍ.^{۳۹}

^{۳۷} - دعوات راوندی، ص ۱۲۳، ح ۳۰۲.

^{۳۸} - خصال: ص ۶۳۹ ح ۱۴، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۴۱، ح ۱.

^{۳۹} - الإمام الصادق (عليه السلام) ص ۱۴۳.

فرمود: سختی را درباره مسائل حلال و حرام و احکام دین خدا، از راست گویی مؤمنی دریافت کنی، بهتروارزشمند تر از تمام دنیا و ثروت های آن است.

«امام صادق (ع) و جوانان»

جوانی بهار عمر و جوان بهترین و مفید ترین قشر جامعه است. جوانان قشر متحرک، فعال و پر شور و نشاط جامعه را تشکیل می دهند. آن ها با استعداد های فراوان و نشاط بسیار راه های سخت و ناهموار پیشرفت را می پیمایند و زمام فردای جامعه را به دست می گیرند. بدین جهت تمام نظام ها و حکومت ها روی این قشر عظیم سرمایه گذاری می کنند. در این راستا انبیاء و معصومان نیز توجه ویژه ای به جوانان داشته اند و توصیه های گرانبهایی برای آنها بیان فرموده اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می کنیم.

«جوانان و دین شناسی»

یکی از علل فاصله گرفتن جوانان از دین و مسایل مذهبی ناآگاهی آنها از دین است. جوانان چون بصیرت و آگاهی کافی از دین ندارند، تحت تأثیر تبلیغات سوء دشمنان قرار می گیرند. امام صادق علیه السلام به بشیر فرمود: «لَا خَيْرَ فِي مَنْ لَا يَتَفَقَّهُ مِنْ أَصْحَابِنَا يَا بَشِيرُ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا لَمْ يَسْتَعْنَ بِفِقْهِهِ إِحْتَاَجَ إِلَيْهِمْ فَإِذَا إِحْتَاَجَ إِلَيْهِمْ أَدْخَلُوهُ فِي بَابِ ضَلَالَتِهِمْ وَهُوَ يَعْلَمُ؛ در آن گروه از اصحاب ما که تفقه در دین نمی کنند، خیری نیست ای بشیر! اگر یکی از شما به مسایل دینی اش آشنا نباشد به دیگران محتاج می شود و زمانی که به آنها نیازمند شد آن ها خواسته او را در وادی گمراهی خود وارد می سازند.»^{۴۰} امام صادق (ع) عنایت ویژه ای به بصیرت و بینش دینی جوانان

^{۴۰} - بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲، کافی، ج ۱، ص ۳۳.

داشت آن حضرت فرمود: «لَوَاتَيْتُ بَشَابٍ مِّنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ لَا دُبَّتُهُ أَكْرَبَهُ
جوانی از جوانان شیعه برخوردار کنم از دردین تفقه نمی کند، او را تأدیب خواهم کرد.

ایشان فرمود: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ وَلَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ مِنَ
الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا.»

کسیکه بدون آگاهی و بینش به دین عمل می کند همانند کسی است که از بیراهه
می رود و تند روی او جز دوری از راه نمی افزاید.^{۴۱}

امام صادق (ع) فرمود: «أَنْظُرْ لِكُلِّ مَن لَّا يَفِيدُكَ مَنَفَعَةً فِي دِينِكَ فَلَا تَعْتَدَنَّ بِهِ وَلَا
تَرْعَبَنَّ فِي صُحْبَتِهِ فَإِنَّ كُلَّ مَا سِوَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مُضْمَحَلٌّ وَخِيمٌ عَاقِبَتُهُ؛

هر کسی که مفید به حال دین تو نیست به او اعتنا مکن و علاقه ای به رقابت با او نشان
مده هر آن چه غیر الهی است نابود شدنی است و عاقبت ناخوشایندی خواهد داشت.»^{۴۲}
در روایتی دیگر می فرماید: «بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجَةُ؛

نوجوانان را با حدیث و فرهنگ اهل بیت (ع) آشنا کنید؛ قبل از آنکه مرجئه بر شما
سبقت بگیرند.»^{۴۳} فضیل بن یسار می گوید امام صادق علیه السلام به شیعیان فرمود:
«احذروا على شبابكم الغلاة لا يفسدوهم فان الغلاة شر خلق يصغرون عظمة الله ويدعون
الربوبية لعباد الله والله ان الغلاة لشر من اليهود والنصارى والمجوس،

^{۴۱} - کافی، ج ۱ ص ۴۳، تحف العقول، ص ۲۶۹، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۶.

^{۴۲} - میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۰۶.

^{۴۳} - اصول کافی، ج ۶، ص ۴۷، وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۶؛ مستدرک، ج ۲، ص ۳۵۳.

جوانانتان را از غلات بر حذر دارید مبادا آن‌ها را فاسد کنند. غلات بدترین خلق خدا هستند. آنها عظمت خدا را کوچک به حساب می‌آورند و ربوبیت را برای بندگان نیز اعتقاد دارند. به خدا قسم! غلات از یهود، نصاری و مجوس بدترند.»^{۴۴}

امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش فرمود: «یا بن جُنْدَب! بَلِّغْ مَعَاشَرَ شِيعَتِنَا وَقُلْ لَهُمْ: لَا تَذْهَبَنَّ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ فَوَاللَّهِ لَا تُنَالُ وَلَايَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ فِي الدُّنْيَا وَمُوسَاةِ الْأَخْوَانِ فِيَا لِلَّهِ.»

ای پسر جندب! به شیعیان ما بگو: مواظب باشید فرقه‌ها و گروه‌ها شما را منحرف نسازند به خدا سوگند! هیچ کس به جرگه ولایت ما در نمی‌آید، مگر با رعایت پارسایی و تلاش در دنیا و همیاری با برادران دینی.»^{۴۵}

«جوانان و آموزش»

امام صادق فرمود: «أَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا»

دوست ندارم یکی از شما جوانان را ببینم مگر در یکی از دو حال: یا دانا یا در حال یادگیری و دانش اندوزی.»^{۴۶}

«جوانان و ادب آموزی»

امام صادق (ع) فرمود: «لَيْسَ مِنْنا مَنْ لَمْ يُوَقِّرْ كَبِيرَنَا وَكَمْ يَرْحَمُ صَغِيرَنَا؛

^{۴۴} - تحف العقول، ص ۳۳.

^{۴۵} - بحارلانووار، ج ۱، ص ۱۷.

^{۴۶} - همان، ج ۷۵، ص ۱۳۸.

ازما نیست کسی که به بزرگ ترها احترام و به کوچکتها رحم نکند.^{۴۷} از امام صادق (ع) نقل شده است که هرگز امام حسین (ع) جلوتر از امام حسن (ع) حرکت نمی کرد و اگر آن دو با هم بودند هرگز امام حسین (ع) جلوتر از امام حسن (ع) سخن نمی گفت.^{۴۸} امام صادق (ع) فرمود: «جاءَ رَجُلَانِ إِلَى النَّبِيِّ شَيْخًا وَشَابًا فَتَكَلَّمَ الشَّابُّ قَبْلَ الشَّيْخِ فَقَالَ النَّبِيُّ الْكَبِيرُ الْكَبِيرُ،

روزی دو نفر که یکی پیر و دیگری جوان بود به خدمت پیامبر (ص) مشرف شدند جوان قبل از پیر مرد شروع به سخن کرد. پیامبر (ص) فرمود: بزرگ، بزرگ»^{۴۹}

«جوانان و ازدواج»

امام صادق (ع) درباره ازدواج فرمود: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلَيْتَقَ اللَّهُ فِي النِّصْفِ الْآخِرِ؛

کسی که ازدواج کند نیمی از دین خود را بدست آورده است. پس باید در مورد نصف دیگر از خدا بترسد.»^{۵۰} نیز فرمود: «رَكَعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيْهَا أَعْرَبٌ؛

دو رکعت نمازی که متأهل می خواند برتر است از هفتاد رکعت نمازی که مجرد می خواند.»^{۵۱} امام صادق (ع) فرمود: شخصی نزد پدرم آمد و پدرم از او سؤال کرد: «فلانی! زن داری یا نه؟» او گفت: خیر! پدرم فرمود: «فلانی! اگر خدا دنیا و آنچه که

^{۴۷} - مشکاة الانوار، ص ۱۷۰.

^{۴۸} - همان، ص ۱۶۸، ینابیع الحکمه، ج ۳ ص ۲۳۰

^{۴۹} - وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷.

^{۵۰} - وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷.

^{۵۱} - اخلاق درخانه، ج ۱، ص ۵۴.

دردنیا است به من بدهد و بگوید یک شب بی زن باش، قبول نمی کنم.^{۵۲} علی بن رعب می گوید که زراره به خدمت امام صادق (ع) رسید. حضرت از او سوال کرد: «ای زراره! آیا ازدواج کرده ای؟» زراره پاسخ داد: «خیر!» حضرت فرمود: «چه عاملی موجب ترک ازدواج شما شده است؟» زراره عرض کرد: «من نمی دانم ازدواج با این ها (مخالفین) خوب است یا خیر؟» حضرت فرمود: «پس چگونه صبر می کنی و خود را حفظ می کنی با این که جوان هستی؟» زراره عرض کرد: «کنیز می خرم» حضرت فرمود: «چگونه نکاح با کنیزان را خوب می دانی؟» زراره عرض کرد: «اگر مشکلی با آن ها داشته باشم آن ها را می فروشم» حضرت فرمود: «از این جهت از تو سوال نمی کنم سوال من این است که چگونه آنها را برای خود خوب می دانی با این که آنها نیز از مخالفین هستند؟» زراره عرض کرد «آیا امری فرماید ازدواج کنم؟» فرمود: «این مسأله به اختیار شماست»^{۵۳}

«جوانان و تقوا»

یکی از خطراتی که جوانان را تهدید می کند هوسرانی و بی بند و باری است و تقوا می تواند سدّی در برابر هوس ها باشد. لذا امام صادق علیه السلام فرمود: «یا مَعْشَرَ الْاِحْدَاثِ! اتَّقُوا اللَّهَ؛ «لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يَعْصِي اللَّهَ فِيهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَيَّ تَغْيِيرَهُ»

سزاوار نیست برای مومن که در مجلسی بنشیند که در آن معصیت می شود و نمی تواند جلوی آن را بگیرد.^{۵۴}

^{۵۲} - بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۶۶.

^{۵۳} - میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۷۳.

^{۵۴} - وسائل الشیعه، ج ۱۱ ص ۵۰۳.

«جوانان و قرآن»

یکی از عواملی که می تواند جوانان را از انحرافات گوناگون حفظ نماید ارتباط و انس با قرآن است. امام صادق (ع) در این باره فرمود: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنَ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ،

جوان مؤمنی که به قرائت قرآن پردازد قرآن با گوشت و خونش درمی آمیزد.»^{۵۵}

«جوانان و نماز»

یکی از عوامل بازدارنده جوانان از هوس ها و آلودگی ها نماز است. نماز در کلمات و سیره امام صادق (ع) جایگاه خاصی دارد. روایات نقل شده از آن حضرت درباره نماز به اندازه یک کتاب قطور می باشد در این جا فقط به یک روایت بسنده می کنیم. امام صادق (ع) فرمود: «أَوَّلُ مَا يَحْسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَ سَائِرِ عَمَلِهِ وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّ سَائِرِ عَمَلِهِ؛

اولین عملی که در قیامت مورد محاسبه قرار می گیرد نماز است. اگر نماز قبول شود سایر اعمال قبول می شود و اگر نماز رد شود سایر اعمال نیز رد خواهد شد.»^{۵۶}

«ارتباط با جوانان»

امام صادق (ع) توجه خاصی در جذب و تربیت جوانان داشتند. هشام جوانی بود که محضر امام صادق (ع) را درک کرد و به شکوفایی علمی رسید. «مفضل ابن عمر» و شماری دیگر از جوانان جزو یاران خاص آن حضرت بودند.

^{۵۵} - اصول کافی، ج ۴، ص ۴۱۴؛ وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۱۴۰.

^{۵۶} - معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۳۲۵.

مفضل بن عمر و نماینده امام صادق (ع) در شهر کوفه بود. او از طرف امام موظف بود به مشکلات دینی، مالی و اجتماعی مردم کوفه رسیدگی کند و در این رابطه با جوانان شهر ارتباط صمیمانه و مستحکمی برقرار کرده بود. برای همین عده ای این دوستی را نتوانستند تحمل کنند، ناچار به شایعه و افتراء روی آوردند و مفضل و یارانش را به شرابخواری، ترک نماز، کبوتر بازی و حتی به سرقت و راهزنی متهم کردند این گروه، که ابوالخطاب معزول و طرفدارانش از فعالان آن شمرده می شدند شایع کردند که مفضل افراد بی مبالات و لایابالی را پیرامونش گرد آورده است. وقتی این شایعات به اوج رسید، گروهی از مؤمنان و مقدسان کوفه به محض امام صادق (ع) چنین نوشتند: «مفضل با افراد رذل و شراب خوار و کبوتر باز همنشین است شایسته است دستور دهید این افراد را از خود دور سازد.» حضرت نامه ای برای مفضل نوشت و زراره، محمد ابن مسلم و ابوبصیر را مأمور رساندن نامه به مفضل کرد. حضرت در آن نامه از مفضل خواسته بود تا اشیاء و وسایل بسیاری از برای آن حضرت تهیه نموده، به خدمتش ارسال نماید. مفضل پس از خواندن نامه، نامه رسانان را از محتوای نامه آگاه ساخت. آن ها گفتند: «برای ما تهیه آن ها مقدور نیست.» مفضل آنها را به صبحانه دعوت کرد. آنها مشغول خوردن صبحانه شدند. مفضل افرادی را به سراغ یاران جوان خود فرستاد. آنها به خدمت مفضل رسیدند. مفضل نامه حضرت را به آنها نشان داد. طولی نکشید که آنها همه آنچه را که امام خواسته بود فراهم ساخته، تقدیم مفضل کردند آنگاه مفضل رو به حاملان نامه کرد و فرمود: «آیا شما می خواهید من این ها را از خود دور کنم؟»^{۵۷}

^{۵۷} - معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۳۲۵.

«مظلومیت و شهادت امام صادق (ع)»

آتش زدن خانه امام صادق (ع)

منصور به حاکم خود درمکه و مدینه به نام «حسن بن زید» پیام داد که خانه امام صادق (ع) را بسوزان» حاکم، این دستور را اجرا کرد. و به خانه امام صادق (ع) آتش افکند. به طوری که شعله های آن به درخانه و راهرو آن رسید. امام صادق (ع) بیرون آمد و به درون آتش رفت و درحالی که میان آتش قدم می زد، می فرمود: «أَنَا بِنُ أَعْرَاقِ الثُّرَى أَنَا بِنُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلُ اللَّهِ»

من پسر ریشه های زمین هستم، من پسر ابراهیم خلیل می باشم.» یعنی همان گونه که ابراهیم خلیل (ع) جدم در آتش نمرودی نسوخت. من هم به اذن خدا نمی سوزم و همان گونه که لقب جدم اسماعیل (اعراق الثری) است یعنی فرزندان او مانند رگ و ریشه درخت در اطراف زمین پراکنده اند، و نابود نمی شوند، ما هم نابود نمی شویم. یکی از شیعیان می گوید: یک روز بعد از آتش زدن خانه امام صادق (ع) در مدینه به محضرش رفتم. دیدم بسیار غمگین است، و اشک از دیدگانش بر صورتش می ریخت عرض کردم: «چرا ناراحت و گریان هستید؟ فرمود: «وقتی که روز قبل آتش در دالان خانه ام زبانه کشید، با اینکه من در خانه بودم بانوان خانه، شیون زنان برای حفظ جان خود از آتش، از این سو به آن سو می دوند، به یاد ترس و هراس اهل بیت جدم امام حسین (ع) افتادم، که در روز عاشورا، دشمن به خیمه های آنان هجوم آورد، درحالی که منادی دشمن فریاد می زد "خانه ظالمان را بسوزانید" یاد این خاطره جانسوز مرا غمگین و ناراحت نموده است، نگران خودم نیستم، نگران آن همه ستم هایی هستم که یزیدیان به اهل بیت مظلوم حسین (ع) وارد ساختند.»

«شهادت امام صادق (ع)»

ابن شهر آشوب در مناقب نوشته است منصور دوانیقی به ابوجعفر زهر خوراند^{۵۸} و بایست چنین باشد، زیرا با کینه ای که منصور از او داشت و بیمی که از روی آوردن مردم به ایشان در دل وی راه یافته بود، آسوده نمی نشست. آنان که با تاریخ زندگی این مرد (منصور دوانیقی) آشنا هستند، می دانند که به کسانی که برای رساندنش به مسند خلافت تلاش کردند، رحم نکرد. از جمله آنان ابومسلم بود که برپای دولت عباسیان مرهون رنج هایی است که او در این باره بر خود نهاد گناه ابومسلم چنان که از اسناد تاریخی برمی آید این است که هنگام خلافت سفاح، به منصور چنان که باید حرمت نمی نهاد، پس طبیعی است کسی را که از او می ترسد و از علاقه و احترام مردم به او آگاه است، آسوده نگذارد و تحمل نکند، ولی به ظاهر از رحلت آن امام بزرگوار دریغ می کند. کلینی به اسناد خود از ابویوب روایت کند: نیم شبی منصور مرا خواست چون نزد او رفتم برگرسی نشسته بود و شمعی پیش روی داشت و نامه ای می خواند و می گریست بر او سلام کردم نامه را به سوی من انداخت و گفت: «از محمد بن سلیمان است و از مرگ جعفر بن محمد خبر می دهد» و سه بار «انا الله و انا الیه راجعون» را بر زبان آورد و گفت: «کجا مانند جعفر یافت می شود؟» سپس گفت بنویس: «اگر شخص معینی را وصی قرار داده گردن او را بزن.» و من در بالای نامه آن را نوشتم. چون پاسخ نامه رسید، معلوم شد پنج تن را وصی خود کرده است: منصور دوانیقی، محمد بن سلیمان (والی مدینه)، عبدالله (یکی از پسرانش، حمیده (مادر امام کاظم (ع)، موسی (ع) در روایت دیگری به جای محمد بن سلیمان، محمد بن جعفر است) و به جای حمیده، مولایی از موالی ابوعبدالله و اضافه دارد که منصور گفت: «اینان را نمی توان کشت.»^{۵۹} یعقوبی از اسماعیل بن علی بن عبدالله بن عباس روایت کند: بر منصور در آمدم، دیدم ریش او از اشک چشمش نمناک است سبب پرسیدم گفت: «نمی دانی به خاندان تو چه رسیده است؟» گفتم: چه شده است؟

^{۵۸} - مناقب، ج ۴، ص ۲۸۰.

^{۵۹} - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۰.

گفت: سید: عالم و باقی مانده گزیدگان آنان درگذشت.

گفتم: چه کسی؟

گفت: جعفر بن محمد (علیه السلام)

گفتم: خدا شما را مزد دهد و او را برای ما باقی گذارد.

گفت: جعفر از آنان بود که خدا درباره شان گفته است: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا»^{۶۰}

او از کسانی بود که خدایش گزید و از سابقان درخیرات بود.^{۶۱}

«آخرین وصایای امام صادق (ع)»

ابن فضال روایت کند: نزد ام حمیده رفتم تا او را به رحلت امام تعزیت دهم. گریست و من از گریه او به گریه درآمدم. پس گفت: اگر ابو عبدالله را هنگام مرگ می دیدی چیزی شگفت مشاهده می کردی. چشم خود را گشود و گفت: «هر کس را با من خویشاوندی دارد گرد آورید.» همه را گرد آوردیم به آنها نگریست و گفت: «شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بدارد. نمی رسد.»^{۶۲} کلینی به روایت خود از امام موسی بن جعفر روایت کند: من پدرم را درد و جامعه شطوی^{۶۳} کفن کردم که آن دو، جامعه جامه احرام او بود و در جامعه ای از جامعه هایش و عمامه ای که از علی بن الحسین (ع) بود.^{۶۴} یکی از اصحاب آن حضرت گفته است: براو درآمدم، موسی بن جعفر پیش روی او نشسته بود و او وی را وصیت می کرد. آنچه از آن وصیت به یاد دارم این است: «پسر کم وصیت مرا بپذیر و گفتارم را به خاطر سپار. اگر آن را به خاطر سپاری خوشبخت زندگی خواهی کرد و ستوده خواهی مُرد. پسر کم! آنکه

^{۶۰} - سوره مبارکه فاطر، آیه ۳۲.

^{۶۱} - تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۱۱۷.

^{۶۲} - ثواب الاعمال، ص ۲۰۵، بحار، ج ۴۷، ص ۲.

^{۶۳} - دهی در مصر که در آن چنان پارچه را می بافتند.

^{۶۴} - اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۶.

به آنچه خدا به او داده قناعت کند بی نیاز بُود، و آنکه دیده به مال دیگری دوزد مستمند می‌میرد آنکه به آنچه خدای عزوجل به او داده خرسند نباشد خدا را در قضای او متهم کرده است آنکه گناه خود را خرد داند، گناه جز خود را بزرگ شمارد. آنکه گناه دیگری را خرد به حساب آورد. گناه خود را بزرگ انگارد. آنکه پرده از عیب دیگری برگیرد. عیب‌های درون خانه اش آشکار شود. آنکه شمشیر ستم کشد، بدان کشته شود آنکه برای برادر خود چاهی کند، خود در آن بیفتد. آنکه با سفیهان بیامیزد، حقیر شود و آنکه با علماء نشیند وقار یابد، آنکه در جای‌های بد درآید متهم شود. پسر کم حق را بگو، به سودت باشد یا به زیانت. از سخن چینی پرهیز که آن کینه را در دل‌های مردم می‌کارد. پسر کم! اگر جستجوی بخشش می‌کنی به معدن‌های آن روی آور.»^{۶۵}

^{۶۵} - حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۱۹۵، صفه الصفوه، ج ۲، ص ۱۷۰.

اشعاری در مدح امام صادق (ع) (صهباى صادق)

دلا امشب سبو را پر زمی کن	حریم منزل و میخانه طی کن
به حق امشب که حق من را ندا داد	تو را نرخی فزون تر از طلا داد
خم از ابرویمان یکباره وا کرد	میان میکده ما را رها کرد
به جان تشنه‌ام آب سبو داد	مرا با ساقی و میخانه خو داد
درون سینه ام مه‌ری نهان کرد	که وصف حال او کی می توان کرد
بگفتا آید از این درنگاری	که دارد عاشقان بی شماری
کنون ساقی و من بر یک قراریم	خمارِ مقدم سبزِ نگاریم
درون میکده هر کس به دستی	قدح را پر نموده بهرِ مستی
ولی ناگه تمام هستی آمد	کمالِ لحظه های مستی آمد
پیاله دست من، دستش سبویی	نسیم عاشقی آمد چه بویی
خدایا آن که گفתי رخ عیان کرد	تمام غصه هایم را نهان کرد
خدایا آن که گفתי بُرده هوشم	فقط از دست او باده بنوشم
چرا که پیر میخانه فقط اوست	شراب عشق و پیمانۀ فقط اوست
قلندرگونه باید رو به او کرد	برای دیدنش صدها وضو کرد
همه، عالم شده دیوانه‌ی او	منم مستِ میِ میخانه‌ی او
دگر می از کفِ ساقی بگیرم	سراغی از میِ باقی بگیرم
چرا؟ چون نوش کردم با حقایق	تمام عمر از صهباى صادق

«شقایق»	
نوشته نام زیبای تو صادق	شبِ میلادِ و بر برگِ شقایق
تو بر دل آشنا کردی حقایق	رئیسِ مذهبِ پاکِ تشیع
ز تو تفسیر شد قرآن ناطق	در آن گمراهیِ سختِ زمانه
همه از زحمتت گردیده لایق	اگر اکنون علی را دوست داریم
ز پاسخ های خود گشتی تو فائق	به هر بزمِ سؤالِ فقه و علمی
کجا بود این همه عشق و علائق	اگر ای پاسدار دین نبودی
بود مدیون درسِ تو خلایق	بدان تا حشرای شیخِ الاثمه

«آبروی آدم»	
به روی شانه‌ی پیرش غم دو عالم بود	همان امام غریبی که شانه اش خم بود
همیشه خاطر‌ی ظهر یک محرم بود	میان صحن حسینیه‌ی دو چشمانش
شبیه مادر مظلومه‌اش پر از غم بود	دل شکسته‌ی او را شکسته تر کردند
به پای خانه‌ی آتش گرفته‌اش کم بود	اگر تمام ملائک ز گریه می مردند
اگر چه آبروی خاندان آدم بود	حدیث حرمت او را به زیر پا بردند
زمینه های زمین خوردنش فراهم بود	شتاب مرکب و بند و تعلل پایش
چه خوب می شد اگر یک کمی حیا هم بود	مدینه بود و شرر بود و خانه ای ساده
همان امام غریبی که شانه‌اش خم بود	امان نداشت که عمامه‌ای به سر گیرد

«از قول شاعر مظفری»	
در هزار و سیصد و هشتاد و شش	نظم بنمودم که من با این روش
من فدا باشم که بر این خاندان	لطفشان باشد که بر هر کس عیان
این کتاب حضرت صادق بود	شیعیان بروی همه شائق بود
روشنی بخشد مرا اندر ضمیر	این کتاب همچون (سراج است و مُنیر)
چون به قلبم همچنین آید ندا	این «چراغ روشنایی» باشددا
ای خداوند کریم و کار ساز	وی رحیم راحم و بنده نواز
حرمت احمد و اولاد رسول	حرمت زهرا که می باشد بتول
نام آنانرا که آوردم شفیع	خود مرا بخشا مقام کن رفیع
خود مرا بنما (مظفر) ای کریم	چون توئی بخشنده هم هستی رحیم
غم مخور جانا که غمخوارت خداست	این جهان و آن جهان یارت خداست

الأحقر مظفر علی (مظفری) از خوانندگان عزیز و ارجمند التماس دعا دارم.